

فروتنی مصر

استان یکم

در این کتاب علامه و یادنامه
سازمان مدارس . مطالب
شیرین . شوق عال کاوندان . فروتنی
استان یکم .

نگارهای تمام . خیران و پیران دانش
آه و زشت و پهلوی را
ملاحظه میفرمایید

فرهنگ مصور استان یکم

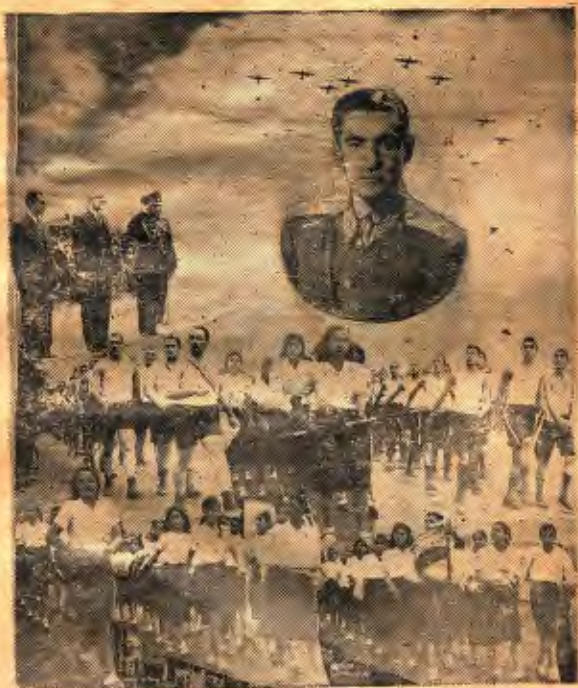
سال ۲۷ و ۲۸

نوشته :

مهدی بشارتیان



تهران - چاپخانه شرق



ملوفان عشق و احساسات در برابر نعلال مبارك مظهر عظوفت و ايران پرستی

نوای مہیج موزيك توأم با آهنگ شورانگیزیکه از گامہای
 برجستہ دختران و پسران رشت در روز تولد پادشاہ محبوبمان
 شنیدہ میشد قلب ہارا بلرزہ در آورده بود.

پیش گفتار

دو سال پیش برای تألیف و نگارش تاریخ
مفصلی از خدمات برجسته اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی
تصمیم گرفتم که با ۸۳ نفر از نزدیکترین افراد خانواده
سلطنتی مصاحبه کرده اطلاعاتی جمع آوری کنم. بارها رفتم و
آمدم و با زحمات زبانی با این و آن در این گوشه و آن
گوشه صحبت ها. خواهش ها کردم تا امروز آنچه را که
میخواستم گرد آورده آماده برای چاپ نمودم. تنها کسری
من عکسهایی است که باید سرتاسر ایران از آثار و بناهایی که
در زمان این نابغه بزرگ درست شده است تهیه کنم
که اینهم دست کم یکی دو سال طول خواهد کشید.

بهر حال برای این منظور باستان يك رفته از
بندر (پهلوی) یعنی آنجا که بانام نامی این بزرگوار زینت
بخش شده است شروع کردم

من تا کنون رشت و پهلوی را ندیده بودم و
هیچکس را دو آنجا نمی شناختم. هوای گرفته. ابر و مه
بارانهای متوالی و خسته کنند مانع عبور داری و حوصله ام را
سر آورده بود که ناگاه چند نفر از دانشرانی های رشت و
همکاران مطبوعاتی از جمله آقای شریعتی نمداری ناشر و نویسنده
فکر جوان دو هفته کی خبر آمدن مرا شنیده بدیدیم آمدند.

حال این آقایان از کجا مرا میشناختند و چه باعث
 شده بود که سراغ من آمده بودند من نفهمیدم . همینطور
 بدانید در موقع ملاقات آنها من دریافتم که رئیس فرهنگ
 استان یکم جوانی است شاه پرست و میهن دوست و در
 ضمن از من قول گرفتند با فرهنگیان نزدیک شده و تاریخچه ای
 از فرهنگ در این دوره (سال ۲۷ و ۲۸) که بقیه
 کوچک و بزرگ در آن استان بهترین دوره فرهنگ
 کیلان است تهیه کنم .

پانزده روز تمام در رشت بودم . از این پانزده
 روز سیزده روز آن مرتب با ران میبارید با این وضع
 هر روز با صدها از دانش آموزان و فرهنگیان نزدیک شده
 و عکسبرداری کردم و امروز این نوشته و تالیف نا چیز
 را بعموم علاقمندان بفرهنگ تقدیم داشته و امید وارم
 مورد قبول واقع گردد .

تهران حشمت الدوله مهدی بشارتیان

استان یکم

استان یکم یا کیلان ناحیه کوچکی است در شمال ایران که طول آن از شمال غربی به جنوب شرقی ۲۲۵ و عرض آن از ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر بوده و از شمال بدریای خزر . جنوب قزوین و خمسه مشرق مازندران . مغرب آذربایجان محدود مییابد .

اهالی قدیم کیلان چند طایفه از شعب آریان و طایفه مهم آنها موسوم بگل یا گیل بوده اند و در کتابهای قدیم یونانیان نام



در هر کوفه از کیلان ده ها از این نوع مناظر دیده میشود |

آنها را کادوسی یا گاتوزی نوشته اند . از این گذشته در کتاب اوستا وارنا از دو طایفه گیل و دیلم نام برده شده است که گیلها در قسمت شمالی رشت لاهیجان فومن و دیلم ها در ناحیه کوهستانی

و دوبار و الموت تا فزوین زندگی میکرده اند و از قرار یکده در همانجا ثبت شده است این دو طایفه تا قرن هشتم مجزی و بعد باهم مخلوط و امتزاج نموده اند

اهالی فعلی کیلان مردمانی دوست داشتنی . مهربان . محبوب . مهمان دوست میباشند که بایکی از شعب زبانی پهلوی بنام کیلک صحبت میکنند . البته این زبان در اثر مرور زمان تغییراتی کرده است ولی با این وضع باز هم بسیاری از تاریکی های تاریخ باستان را با همین زبان باید روشن کرد .



شکرائی

اول آقای شکرائی رئیس فرهنگ استان یکه را بشناسید تا بعد بسراغ اداره فرهنگ و کلیه آموزشگاههای کیلان برویم شما اگر بکیلان رفته و از یکی از فرهنگیان سؤال کنید آقای شکرائی چطور آدمی است . فوری بشما خواهند گفت : (خداوند او را نگهدارد . هنوز فرهنگ استان یگم ریسی باین خوبی بخود ندیده است)

من روزیکه بنا شد این کتاب را تهیه کنم و تصمیم گرفتم بدیدن ایشان بروم . قبل از رفتن در خیابان شاه (یکی از خیابانهای دشت) بیک دانش آموزی گفتم . آقای شکرائی را میشناسید ؟ لبخندی زده گفت . آقا اختیار دارید آقای شکرائی کسی است که (در قلوب ...) (از نفر جای دارد) .

از این چیز سر در نیاوردم . با اداره فرهنگ رفته

از پیرمردی که در جلو اطاق بازرسی آن اداره ایستاده بود سؤال کردم: (اسم رئیس فرهنگ آقای شکرائی است؟)

با تعجب نگاهی بمن کرده گفت: چه عرض کنم!!! بعد قهقهه خندیده اضافه کرد: آقا شما چطور آقای شکرائی را نمی شناسید.

گفتم چرا تعجب میکنید: من تازه سه روز است برشت آمده ام. هیچکس را نمی شناسم.

وقتی بقیافه من نگاه کرد و دید قهقهه خندیدن او مرا عصبانی کرده است دست پشت کمرم گذاشته برای عذرخواهی و پوزش مرا با طاق خود برد.

این آقا خیلی پرچانه بود و دو ساعت تمام از این طرف و آن طرف برای من صحبت کرد و بیش از شش یا هفت چائی بشکمم بست. بالاخره گفتم: نفرمودید که دلیل خنده شما از سؤال من چه بود؟ این جمله (اسم رئیس فرهنگ آقای شکرائی است) که خنده نداشت.

بله. در صورتیکه این سؤال راجع بشخص دیگری بود بنده حق بشما میدادم ولی آقای شکرائی را امروز کسی نیست که در کیلان نشناسد.

گفتم در کیلان. منکه کیلانی نیستم. بشما گفتم که پیش از سه روز نیست برشت آمده ام.

لبهای خود را با عصبانیت جلو و عقب برده گفت: آقا زاده! بنده کف دستم را بو نکرده بودم که جناب عالی از تهران تشریف آورده اید!!

بهر حال بحدی سربسر هم گذاشتیم و بقدری چرت و پرت گفتیم که یکنفر کارمندی که پهلوی میز این شخص نشسته بود بصددا در آمده گفت : بفرمائید اینجا تا من دلیل خنده این آقارا برای شما شرح دهم .

پهلوی اورفتم . آهسته در گوشم گفت : اگر قول بدهید که بکسی نکوئید من آقای شکرانی را آفتوریکه حتی دیگران هم نمیدانند بشما معرفی کنم . آنوقت دوخواهید یافت که خنده این شخص بی جا نبوده است .

باوقول دادم که بهیچکس نکویم و خدا را شکر که تاکنون هم نگفته ام و هیچوقت هم نخواهم گفت . فقط گفته های او را اینجا می نویسم و شما هم سکه خواندید قول بدهید که بکسی نکوئید . گفت : توده ای ها وقتی دریافتند که آقای شکرانی مأمور

رشت شده است قسم یاد کردند که بمجرد آمدن رشت اور بیچرم شاه پرستی (نابود و دست بسر خواهند کرد ولی کجا . مگر آقای شکرانی آدمی بود که از پا دو برود و یا اینکه از این بلوف ها ترس و باکی داشته باشد .

بسلامتی شما و بکوری چشم اجنبی پرستها و با پاکی و صداقت و فهمیدگی و حقیقتی که از ناصه او هویدا بود با نهایت خون سردی بر روی قلوب ده ها هزار قهوس گیلان بایه های شاه دوستی و میهن پرستی را بنا نهاد .

امروز زن و مرد . کوچک و بزرگ پیر و جوان این شخص را دوست دارند و معتقدند که گیلان هنوز رئیس فرهنگ باین

خوبی بخود ندیده است بعد هم اسم یک یک آنهایکه میخواستند ایشان را بکشند برایم شرح داد

اشتیاق من بدیدن آقای شکرائی چند برابر شد . اظهار تشکر کرده بیرون آمدم .

آنروز آقای شکرائی در اداره نبود و برای تنظیم برنامه دبیرستانها با عده ای از کارمندان عالی رتبه فرهنگ رشت در دبیرستان فروغ کمسیون داشتند .



فاب آقای شکرائی از پشت این میز بوضع فرهنگی ۳۲ هزار دانش آموز رسیدگی میکنند

باراهنمایی تلفن چی اداره بآن دبیرستان رفتم و در اولین برخورد آن جمله ای که آن دانش آموز در خیابان شاه گفت :

(شکرائی در قلوب سی و دو هزار نفر جای دارد) دریافتیم . بعد با این و آنهم مصاحبه‌هایی کردم و اکنون مختصری از شرح حال ایشان برای شما مینویسم .

جناب آقای ابوالقاسم شکرائی در سال ۱۳۱۱ تحصیلات خود را در دانشسرای عالی پیمان رسانده و بواسطه شاگرداول شدن در تمام دوره عالی مدال درجه اول علمی گرفته‌اند

محصلینی که در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ در دبیرستانهای دارالفنون - شرف - سیروس - علمیه در دوره اول و دوم متوسطه تحصیل میکردند هیچوقت کلمه (شکرائی) یعنی نام کسیکه باعلاقه تمام بآنها درس میداد فراموش نمیکند

پرونده آقای شکرائی در وزارت فرهنگ دوران کار فرهنگی ایشان را اینطور نشان میدهد

از سال ۱۳۱۴ تا مهر ۱۷ ریاست فرهنگ همدان . از مهر سال ۱۷ تا ۱۹ ریاست فرهنگ صفهان . از تیر سال ۱۹ تا ۲۱ ریاست تربیت بدنی و پیشاهنگی کل کشور . از ۱۳۲۱ تا سال ۲۴ ریاست فرهنگ کرمانشاهان و بازرسی کل فرهنگ غرب . دو سال هم بازرسی عالی وزارت در تهران . چندی هم ریاست فرهنگ شهرستانها . بالاخره در اردیبهشت ۱۳۲۷ با اختیارات تام بسمت ریاست فرهنگ استان یکم منصوب شدند .

از یادبودهای ایشان برای همدانیها ساختمان دبیرستان پهلوی است که با ارزاقترین بهاء زیر نظر خود انجام دادند

دیگر از کارهای برجسته ایشای قدمهای بینهایت بزرگی

است که در راه پیشرفت ورزش و پیشاهنگی برداشته اند و اگر من بخواهم تمام خدمات ادوار فرهنگی ایشان را یک یک بنویسم از چند برابر این کتاب و مجله تربیت بدنی و پیشاهنگی که خود ایشان در زمان ریاست تربیت بدنی و پیشاهنگی کل کشور منتشر میگردند بیشتر میشود. همینقدر عرض میکنم که وزن تقدیرنامه هایی که برای ایشان آمده است از کیلوها متجاوز و باز هم مرتب از طرف وزارت فرهنگ و حتی دربار شاهنشاهی تقدیر شده و چندی پیش هم نشان درجه سوم علمی گرفته اند و تألیفاتی نیز دارند که بسیار قابل توجه است از جمله :

۱ - کلیات جغرافیائی در ۵۵۰ صفحه با ۱۰۰ نقشه و گراور.

۲ - تاریخ تیموری.

۳ - تاریخچه مختصری از آثاز باستانی ایران که بفرح وزارت فرهنگ بطبع رسیده است.

از جمله های مخصوص ایشان که همیشه در زبان داشته و در هر برخورد با دوستان و آشنایان خود میگویند این جمله است (ما که دیگر پیر شده ایم) در صورتیکه بقول معروف کاملاً (شکسته نفسی) و اگر این موضوع که میگویند (بزرگی بعقل است نه بسال) در نظر نگیریم ایشان خیلی جوان. سرخ و سفید. خوش هیكل میباشند



آمار کامل کارمندان داخلی اداره فرهنگ استان یکم

جناب آقای ابوالقاسم شکرانی - رئیس

آقای علی اکبر آصف معاون

آقای عباس احمدزاده رئیس بازرسی فنی	آقای تقی رائفی رئیس بایگانی
آقای نوربخش رئیس حساب داری	آقای ابراهیمی رئیس دفتر
آقای دهمرا مدیر اوقاف	آقای پیشمازی رئیس بازرسی اداری
آقای فرزاد رئیس تعلیمات اجباری	آقای کوچصفهانی سرپرست تربیت بدنی

آقای حجابی کفیل کارگزینی

کارمندان دفتر - آقای تقی عدالتی آقای نورالدین رفیع آقای محمدرضا فروهیده آقای محمدحقیقی آقای علی نوآموز آقای علی رسول امینی آقای علی اکبر اصغریان جدی آقای میرلاهیجی آقای ریانی آقای موسی سیاحی آقای محمد لطفی بانو مطهر السادات واسعی بانو فاطمه مصفا

کارمندان بازرسی فنی و تعلیمات اجباری - بانو دولت شلمانی آقای رضاشاد آقای یوسف شجاعی آقای عباس رافع آقای فتح الله اسکندانیان آقای محمد تقی خوشنویس آقای حسن محتشمی معانی آقای طاهر فروحی آقای قاسم رضائی
کارمندان بایگانی - آقای علی افتخاری آقای علی خسروانی

آقای علی شکوفه اشکی بانوانیس شادبهر بانو بتول هبدالله زاده
کارمندان کارگزینی - آقای علی حبیب آقای محمود خماسی اسدی
آقای سیدموسی ققیدزاده آقای حسن امجد آقای محمدشمس آموزگار
آقای روح الله عضدی آقای ابراهیم تحریری

کارمندان حسابداری - آقای عبدالرحیم مهرزاد آقای محمدرضا
مولائی آقای عزیز ملکی آقای مهدی تحویلکاری آقای علی
گوچکپور آقای محمود ساعتچی آقای صادق مهرنوش آقای یحیی
تقیب زاده آقای عبدالصالح مطهری آقای محمدعلی فتحعلی بانو -
زهره عطائی آقای محمود شعله ور آقای اسمعیل کازرانی آقای
اسمعیل روزرخ

کارمندان اوقات - آقای غلامحسین مفیدی آقای فرج الله قدسی
آقای حسن دقیقی آقای حسن ربطی آقای هادی پیشوا آقای محمد
طریق پیمای آقای تیمور بردبار عاطفی آقای ابوالقاسم غمگسار
کارمندان بازرسی اداری - آقای رحیم رحیمی نجات آقای صادق
لاکانی - تربیت بدنی هم کارمند ندارد

بیوگرافی رؤسای دوائر

حالا بامن بداره فرهنگ استان یکم بیامید تا یک یک
اطاقها ودوائر آنرا بشما نشان داده ورؤسای آنرا معرفی کنم
درجنوب (تقریبا جنوب غربی) باغ سبزه میدان آپارته ن
دوطبقه ایست که سردر آن باکاشی آبی نوشته است: اداره فرهنگ
رشت - از در که وارد میشویم طبقه اول اولین اطلاق دست -

راست مخصوص معاون اداره و پیرمرد زنده دل و سالخورده ای دم در آن ایستاده است که علاوه بر درباری کار یک دائره اطلاعاتی را انجام میدهد و شما بهر قسمی که کار داشته باشید در وسط آن جمعیت زیادی که هر روز برای کارهای فرهنگی در این راهرو آمد و رفت میکنند بانهایت خوشرومی همراه شما آمده آن دائره یا آن شخص را نشان میدهد. اگر هم آهسته از او پیرسید معاون چطور آدمی است فوری گوشه در اطاق را باز کرده باظهار میکند بفرمائید آن آقا که پشت میز نشسته اند معاون اداره میباشد و شما



برای اولین بار آقای
علی اکبر آصف
معاون اداره را با
همین شکلی که در
عکس مقابل مشاهده
میفرمائید سر بریز
مشغول بکار خواهید
دید و همه میگویند
ز ۲۹ سال قبل که
وارد خدمت شده اند
همیشه همینطور پر

کار و زحمت کشی بوده اند و روی اصل همین دلسوزی برای دولت و مقرراتی بودن عده زیادی مخالف ایشان هستند .
آقای علی اکبر آصف درست در پنجاه سال قبل در تبریز

تولد شده و در سال ۱۲۹۸ مشغول خدمت بفرهنگ گردیده‌اند .
بر بزرگ ایشان از بازارگانان معروف رشت و ارثیه زیادی بجای
گذاشته است و درآمد این ارثیه در هر ماه چند برابر حقوق اداری
یشان میشود .

آقای علی اکبر آصف شخصی است مؤدب . با ذوق فهمیده
و بمرام آقای شکرایی خیلی ایمان دارند و روی همین عقیده در
وره وزارت کشاورز منتظر خدمت شدند .

حالا بدو مین اطاق دست راست به‌دائرة بازرسی اداری برویم .
پیس این دائره همینطوریکه ملاحظه فرمودید آقای احمد
پیشنمازی است که در سال ۱۲۷۷ بدنیاء آمده و ۲۴ سال بعد مشغول
خدمت فرهنگ شده‌اند و همینطوریکه از نام ایشان معلوم میشود
این شخص خیلی مؤمن و صفات يك پیشنماز بتمام معنی در ایشان
جمع شده است و چندی قبل هم از مکه آمده و حاجی شده‌اند .

زبان شیرین . اخلاق

فوق ایشان انسان را مجذوب
میکند و از همه اینها گذشته
خیلی دل رحیم و دلسوز
هستند که غالباً با متوسل
شدن بمقامات مربوطه و یا
وسایل شخصی کمکهای
زیادی بدانش آموزان
می‌بضاعت مینمایند .



موقعیکه ایشان بحج رفته بودند تمام کارهای بازرسی را

آقای رحیم رحیمی نجات معاون و دوست ایشان انجام میدادند و اکنون نیز یکی از بزرگترین چرخهای این دایره بدست ایشان میچرخد و قیافه و معنویات روی میز آقای رحیمی نجات نشان میدهد که شخصی باذوق و علاقه مند بکار هستند

همارا باولین اطلاق دست چپ یعنی دایره اوقاف نمیرم من خودم بکروز رفتم و خواهش کردم که برای عکس برداری چند دقیقه ای بمن وقت بدهند. آقای دهرام مدیر اوقاف تشریف نداشتند. یکی از کارمندان آن دایره گفت: تا نامه رسمی بمن ننویسد ما عکس برنمیداریم و دل خوشی هم از مطبوعات نداریم. بنابراین مثل معروف که میگویند (بی دعوت بخانه خدا هم نباید رفت) ما هم بآن دایره نمیریم.

دومین اطلاق دست چپ دایره تربیت بدنی است که تحت نظر آقای کوچصفهانی اداره میشود. آقای کوچصفهانی جوانی است بلند بالا و باذوق که برای پیشرفت ورزش در آن استان مجله ای بنام (فکر جوان ورزشی) باخرج خود انتشار میدهد.

در جشن تولد اعلی حضرت

همایونی در جشن مهرگان که من در رشت بودم بقدری از آقای کوچصفهانی فعالیت دیدم که فریفته ایشان شدم.

آقای کوچصفهانی که



در ۲۸ سال قبل در رشت بدنیا آمده است سیکل اول را در دبیرستان شاهپور همان شهر و دوره تانشرای تربیت بدنی را در تهران

را در تهران تحصیل نموده اند و در سال ۱۳۲۲ نیز در کلاس تخصصی ورزش که زیر نظر مسیو فوکل سوئسی بود شرکت نمودند. آقای کوچصفهانی از لحاظ اینکه یک جوان شاه پرستی ریاست فرهنگ را در دست دارد بینهایت خوشحال میباشند بطوری که این موضوع را میتوان از مندرجات يك يك از مجله های منتشره ایشان دریافت .

حالا بدائره بایگانی آخرین اطلاق طبقه اول پیش یکی از شخصیت های برجسته و پاك فرهنگ برویه . این آقا رئیس بایگانی صاحب امتیاز و مدیر مجله علمی فرهنگ آقای تقی زائقی است . من هرچه بخواهم از وصف و صفات ایشان بنویسم باز کم فوشته ام .



آقای
رائقی یکی از
با سابقه ترین
کارمندان فرهنگ
سه ماه دیگر
درست ۳۵ سال
است که برای
دعوتگاه فرهنگ
در قسمت های
مختلف کار

میکند و تقدیرهای متعدد داخلی و وزارتت مدالهای درجه اول و

دوم علمی نیز گرفته اند .

از تمام اینها بالاتر اخلاق خوب ایشان است که بزرگ و کوچک را فریفته کرده است . من از هر کس را جمع بمایشان سوالاتی کردم فوری گفتند (آدم بسیار فهمیده و خوبی است) اکنون بطبقه دوم برویم . ولی اجازه بفرمائید قبلایک موضوع شیرینی را برای شما شرح بدهم و بعد از دوایر بالا دیدن کنیم .

روزی که قوام السلطنه کناره گیری کرد و یا او را کنار کردند (دولو) کاریکاتور ساز خیلی عصبانی و گرفته بود . باو گفتند خدا نکند ترا گرفته بینیم .

باحتالی درهم جواب داده نه . غصه من از این است که هر نخست وزیری باینکه من نمیتوانم کاریکاتور بد ترکیبی مثل کاریکاتور قوام برای او بکشم .

حالا موضوع منم در این دوایر فرهنگ دست کمی از موضوع (دولو) ندارد باید غصه بخورم . برای اینکه آقای شکرانی دوایر این اداره را دست اشخاصی داده اند که نمیشود حتی یکی از آنها بد گفت و تصدیق بفرمائید اگر یکی از این آقایان بد بودند و من در اینجا از او انتقاد مینوشتم چقدر این فصل کتاب شیرین میشد .

از دست چپ پیش برویم . اطلاق اول دائره بازرسی فنی رئیس آن آقای عباس احمدزاده میباشند . من در اولین باری که ایشان را دیدم پشت میز بهمین شکل که درعکس ملاحظه میفرمائید نشسته بودند قبل از هر چیز بیک روح انقلابی و بزرگ در پشت

يك ظاهري ساكت بي بردم .

با کنجکاوی
و علاقه زیادی به
ایشان نزدیک شده

و حتی بهروسیله ای
بود بخانه ایشان هم
رفتم حال اطلاعاتی
را که راجع بایشان
بندست آورده ام

فهرست مانند در چند
سطر برای شما
شرح میدهم :



آقای عباس احمدزاده در ردیف یکی از ثروتمندترین
کارمندان فرهنگ و تنها يك باغ ایشان که من هم آنجا را دیدم ارزش
بسیار دارد و در ضمن ایشان یکی از اعیان زادگان بندر پهلوی و
در يك خانه سرسبز و زیبا کنار دریا در سال ۱۲۹۴ بدنیای
آمده اند .

همین موضوع پولداری و اعیانی ایشان باعث شده است
که عده زیادی بایشان علاقه ندارند در صورتیکه بعقیده من همیشه
بهترین کارمندان دولت اشخاصی هستند که چشم و کوششان از
پول و تمام این حرفها سیر باشد

موضوع دیگری از ایشان که اولین بار نظر مرا بخود جلب
کرد سرسختی و حس کنجکاوی ایشان میباشد . محال است ایشان

سر يك جلسه امتحان بعنوان بازرسى بايستند و بگذارند محصلى
تقلب كند. من از يك نفر شنيدم در سال قبل سر يك جلسه امتحان
بايك نظر كه بچشم هاى يكي از محصلين نگاه كردند بافكار او پي
برده و صورت مسئله را از وسط قلم خود نويس او بيرون كشيدند و
براى همين عمل يك ضرب چاقو هم خوردند. ولى باز سر تنزس و
بي باك ايشان كوش باين حرفها نميدهند.

تحصيلات ايشان در دبستان فردوسى پهلوى و ديپلم كامل
شعبه علمى را از همانجا گرفته اند بعد هم بتهران آمده و در رشته
زبان خارجه در دانشكده ادبيات دانشسراى عالي ليسانس
شدند.

در سال ۱۳۱۲ دبير دبستان نظام تبريز. دو سال هم
خدمت نظام. چندی هم دبير دبستان فردوسى تهران بعد هم
رئيس فرهنگ بندر پهلوى و بالاخره بست رياست بازرسى فنى و
دايره امتحانات استان اول منصوب گشتند.

دودسته دشمن جاني ايشان هستند و اگر خداى نخواهد
مومى از سرايشان كم بشود آنها جشن خواهند گرفت.

دسته اول محصلين تنبل و دسته دوم شكارچيهاي دريا
خدا نكند ايشان سر امتحان يا براى شكار بدريا بروند نسل
محصلين تنبل و پرندگان دريائى يكمرتبه از بين خواهند رفت.
بهر حال آنچه مسلم است براى فرهنگ كارمند بسيار
مفيدى ميباشند.

كارمندان تعليمات اجبارى در اين اطلاق هستند و رياست آنها
را آقاى ابراهيم فرزام بعهده دارند.

آقای فرزاد یکی از کارمندان با سابقه و قدیمی فرهنگ
بوده و تحصیلات ایشان در رشت و دیپلم کامل (سعه ادبی)
گرفته اند.



تعلیمات اجباری کیلان فعلاً دارای ۲۰ انجمن فرهنگی و یک
انجمن (حمل و نقل) در رشت می باشد. و ساختمانی نیز بنفع تعلیمات اجباری
در کوی صیقلان رشت شروع نموده اند که اولین کلنک آن با
دست توانای اعلی حضرت همایونی زده شده است. انجمن فرهنگی
بانوانی نیز تشکیل داده اند که ریاست آنرا خانم جناب آقای
استاندار بعهدہ دارند و از عطیه ملوکانه سه باب دبستان ۶ کلاسه
در رشت و حوامد طالبش و فومن تأسیس میشود که آگهی مناقصه
آن از طرف تعلیمات اجباری صادر شده است. ضمناً از حمل
عوارض کالای انحصاری یکباب دبستان چهار کلاسه در رشت
پرطوالش شروع و از اوقاف یکباب دبستان پیرسرای رشت ساختمان
خواهد شد.

دیگر از اشخاص برجسته این دایره آقای ضادشاد هستند که باید در اطراف ذوق سرشار ایشان مقاله‌ها نوشت من روزیکه از جناب آقای لشکری خواهش کردم بکنفر برای راهنمایی آموزشگاهها همراه من بفرستند ایشان همین آقای شاد را روی اصل خوش ذوقی مأمور این کار فرمودند. حقیقتاً هم چه سعادت خوبی بمن دست داد که با این شخص آشنا شدم. ۱۵ روز تمام با ایشان بودم. با وجود بدی هوا و بارانهای زیادی که میبارید بقدری بمن خوش گذشت که هیچ فراموش نمیکنم.

آقای شاد همینطوریکه در عکس ملاحظه میفرمائید دارای يك قیافه‌ای موقر و در عین حال بی اندازه شوخ و بامزه‌اند.

مثلا یکی از دستورهای شوخی ایشان در موقعیکه باران بانهایت شدت میبارید و بهیچوجه نمیگذاشت من عکس بگیرم این بود که بمن گفتند:

باید همینطور که در رشت میگویند برویم و نام چهل کچل را روی کاغذ بنویسیم. بعد آنرا يك کچل داده خواهش کنیم که بدیوار، بامیخ بکوبد. آنوقت فوری باران خواهد افتاد. ولی ما هرچه کاوش کردیم غیر از یک سرطاس نیافتیم و باران هم مرتب آمد و همینطوریکه ملاحظه میفرمائید عکسهای من با وجود اینکه با بهترین دوربین‌هاییکه در ایران هست مجهز بودم خوب نشد



از موضوع خارج نشویم . آقای شاد بدو چیز خیلی علاقه دارند یکی کتاب و دیگری شطرنج است و در راه این دو بقدری حرارت بفخرج میدهند که درهمه جا این موضوع را میدانند اثرات قلمی ایشان عبارت است از اصول بازی شطرنج . ظرایف و طرایف . داستان تربیتی گداخان . دستور زبان فارسی و مقالات ادبی . واجتماعی زیادی که در جراید محلی با نام مستعار نوشته اند .

حالا باطابق دوم دست چپ دایره حسابداری برویم آقای سیدابوطالب نوربخش رئیس این دایره است ایشان ۱۵ سال قبل وارد فرهنگ و غیر از دو سال خدمت زیر پرچم ۱۳ سال تمام است که در فرهنگ کار میکنند .

از این مدت

چهار سال اول آن

رئیس حسابداری

و کارگزینی فرهنگ

خرم آباد و بروجرد

و ۸ سال هم رئیس

فرهنگ بخشهای

توابع اصفهان و

رئیس ساختمان

استان دهم و یکسال

هم هست که رئیس



حسابداری این استان شده اند

میزان معلومات ایشان دوره دوم متوسطه و اطلاعات ایشان در کلیه شعب اداری مخصوصاً حسابداری است و از این قسمت از طرف وزارت فرهنگ تقدیرهای زیادی و حتی یکبار انعام هم گرفته اند. انتهای طرف چپ، اطلاق جناب آقای شکرانی و روبروی آن دایره دفتر است حالا بسراغ آقای محمد ابراهیمی رئیس دفتر کسیکه درز نجاران پنجه ای با دمکراتهای آذربایجان نرم کرده است برویم

آقای رئیس دفتر استان یکم را نباید بهمین سادگی که در عکس می بینید نگاه کرد

ایشان در

سال ۱۳۲۴

مبارزه شدیدی

با همراهی یکمده

با دارو دسته

پیشه وری کردند

که شرح آن

بسمار شیرین و

مفصل است و

اگر از موضوع

این کتاب من خارج نبود در همینجا و فایده شنیدنی و شیرین

آنرا شرح میدادم

آقای ابراهیمی در آستارا متولد ولی از بحث قیافه ، هیچ

آذربایجانیها شبیه نیستند و آنچه مسلم است اگر بعضی بانیان مردان



ترك حرفی نداشته باشیم غالباً مردان ياك. ميهن دوست. شاه پرست
میشند.

از طبقه دوم تنها يك اطاق باقیست که در آنهم کارمندان
دائره کلو گزینی کار میکنند من اولین روزیکه بداره فرهنگ
رفتم رئیس این دائره بتهران منتقل شده بود و اکنون کفیل ایشان
آقای عبدالحسین حجابی این دائره را اداره میکنند

آقای حجابی يك جوان قد بلند نسبتاً چاق و خیلی پر کار
هستند و من حتی چند بار عصرها که موقع بیکاری و تعطیلی اداری
میشد دیدم ایشان بسانهایت علاقه کار میکنند و بهمین جهت

پرکاری تقدیرهای

زیادی گرفته اند

ایشان از سال

۱۳۰۹ تا ۱۳ تا در

دبستانهای ملی

تدریس و از ۱۳۱۳

تا ۱۷ در اداره فرهنگ

گراگان و رشت

و از ۱۷ بعد در

استان ایکم خدمت

میکند



آمار کلیه آموزشگاههای گیلان

قبل از رفتن بمدارس اسم های آنها را یاد بگیریم
نامهای کلیه آموزشگاههای گیلان را ملاحظه بفرمائید .
از مدارس خودرشت که بگذریم نامهای بقیه آنها تمام عجیب و
غریب است

آموزشگاههای رشت - ۱ - دبیرستان شاهپور ۲ -
دبیرستان شاهدخت ۳ - دبیرستان اسلامی ۴ - دبیرستان فروغ
۵ - دبیرستان تربیت نسوان ۶ - دبیرستان سعادت نسوان ۷ -
دبیرستان تربیت پسران ۸ - دبیرستان رهنمای سعادت ۹ - دبیرستان
فاریابی ۱۰ - دانشسرای مقدماتی ۱۱ - دبیرستان قآنی ۱۲ -
دبستان فاریابی ۱۳ - دبستان عنصری ۱۴ - دبستان هفده دی
۱۵ - دبستان ژاله ۱۶ - دبستان عسجدی ۱۷ - دبستان رودکی
۱۸ - دبستان بانوان ۱۹ - دبستان بهار ۲۰ - دبستان دقیقی
۲۱ - دبستان رشديه ۲۲ - دبستان رازی ۲۳ - دبستان مهر ۲۴
دبستان صدو ۲۵ - دبستان طائر ۱۶ - دبستان حزین ۲۷ - دبستان
سروش ۲۸ - دبستان پیک سعادت ۲۹ - دبستان ایران ۳۰ - دبستان
امید ۳۱ - دبستان ناموس ۲۲ - دبستان کورش ۲۳ - دبستان
انوشیروان ۳۴ - دبستان تمدن ۳۵ - دبستان مژدهی ۳۵ دبستان
نواختران .

آموزشگاههای بندرپهلوی

۱ - دبیرستان دولتی فردوسی (پسرانه) ۲ دبستان
دولتی سعدی ۳ - دبیرستان دولتی بوذرجمهر ۴ - دبستان دولتی

انوری ۵ - دبستان دولتی سنائی (غازیان) ۶ - دبستان دولتی خاقانی (گپورچال) ۷ - دبستان دولتی خیام (آبکنار) ۹ - ایراندخت بندرپهوی (دخترانه) ۱۰ - کوشیار بندرپهلوی دخترانه ۱۱ - پروین غازیان دخترانه ۱۲ - اردشیر بندرپهلوی (ارامنه) ۱۳ - اشرف بندرپهلوی ۱۴ - شکوفه بندرپهلوی ۱۵ - نیرستا غازیان (مختلط) ۱۶ - بهمن بندرپهلوی (نوبنیاد) ۱۷ - ۱۵ بهمن کلور بندرپهلوی ۱۸ - ۴ آبان غازیان ۱۹ - مولوی خمیران ۲۰ - حکیم صبوچی سنگاچین ۲۱ - میاه خالسر ۲۲ - دبیرستان مهدخت

آموزشگاههای لاهیجان

۱ - دبیرستان دولتی ایران شهر پسرانه ۲ - دبیرستان میهن دخترانه ۳ - دبستان حقیقت پسرانه ۴ - دبستان مینو ۵ - دبستان بدر حسن کیاده ۶ - دبستان اشرفیه آستان (بین رشت و لاهیجان) ۷ - دبستان لغمجان ۸ - دبستان بزرگمهر لاهیجان ۹ - دبستان بالا گوی حسین کیاده ۱۰ - دبستان لسکو کلابه ۱۱ - دبستان هدایت دهشال ۱۲ - دبستان چهارده ۱۳ - دبستان لیالستان ۱۴ - دبستان کیسم بررا لاهیجان ۱۵ - دبستان تچنگو که ۱۶ - دبستان خرشکه ۱۷ - بیجار بنه

آموزشگاههای لنگرود

۱ - دبیرستان داریوش لنگرود ۲ - دبیرستان عفت ۳ - دبستان پهلوی ۴ - دبستان گلشن ۵ - دبستان کومله ۶ - دبستان دریا سر ۷ - دبستان ییجاریس ۸ - دبستان گل سفید ۹ - دبستان مولوی (امش)

آموزشگاههای رودسر

- ۱ دبیرستان ۱۵ بهمن ۲ دبیرستان و دبستان تربیت نسوان
- ۳ دبستان ۱۷ دی شامان ۴ دبستان مولوی املش ۵ دبستان جامی
- رحیم آباد ۶ دبستان خنیاسربالان ۷ دبستان کیچان تامیجان ۸ -
- دبستان قاسم آباد ۹ دبستان پیرمحل ۱۰ دبستان فاریابی حاخانی سر
- ۱۱ دبستان عنصری گیل کلایه ۱۲ دبستان کسکر محل ۱۳
- دبستان بازرگان محل

آموزشگاههای سیاهکل

- ۱ دبیرستان فردوسی سیاهکل ۲ دبستان پیروز دخترانه
- ۳ دبستان دیلمان ۴ دبستان آسیابره ۵ دبستان باشاکی ۶ دبستان
- چوشل ۷ دبستان فشتال

آموزشگاههای کوچصفهان

- ۱ دبستان اتحادیه ۲ دبستان ناصر خسرو لشته نشاء ۳
 - دبستان خشک بیجار ۴ دبستان نوده ۵ دبستان لولمان ۶ دبستان
 - بلسته ۷ دبستان جیرکویه ۸ دبستان چونچان ۹ دبستان لیشله
- ## آموزشگاههای سنگر

- ۱ دبستان ابن سینا ۲ دبستان سوزم اسفندشاقاجی ۳ دبستان
- امامزاده هاشم ۴ دبستان قاضیان ۵ دبستان باز قلعه ۶ دبستان
- امشه ۷ دبستان کوکته ۸ دبستان باز قلعه

آموزشگاههای فومن

- ۱ دبیرستان ترقی فومن ۲ دبستان گلزار دخترانه ۳
- دبیرستان شمس صومعه سرا ۴ دبستان ایمان ماسوله ۵ دبستان
- فرخی کسماء ۶ دبستان امید کسکر ۷ دبستان معرفت شفت ۸

دبستان آدینه جمعه بازار ۹ دبستان گل افزان ۱۰ دبستان فروزان
اباطر ۱۱ دبستان طلوع طاهر گوراب ۱۲ دبستان تابنده هند
خلاله ۱۳ دبستان کسمار شفت ۱۴ دبستان تابان لولمان
۱۵ دبستان بهمبر ۱۶ دبستان گوراب زرمخ ۱۷ دبستان راسه
کنار ۱۸ دبستان پیچده ۱۹ دبستان الاله گوراب

آموزشگاههای طالش

۱- دبستان سپه پور ۲- دبستان رضوان خطبه سرا ۳-
گلریز پره سر ۴- دبستان زند خوشابر ۵ دبستان دانش اسالم ۶ دبستان
کسری شفارود ۷- دبستان پرتوی چوکنده ۸ دبستان کیسار
۹- دبستان ناورود ۱۰- دبستان هشت پر ۱۱- دبستان نوکنده
۱۲- دبستان آقاسید شرفشاه ۱۳- دبستان شاندرمن ۱۴- دبستان
حافظ ماسال ۱۵- دبستان حویق ۱۶- دبستان چوبر ۱۷ دبستان
شیرآباد ۱۸ دبستان اردجان ۱۹- دبستان بیتمشاندرمن ۲۰ دبستان
ویزنه ۲۱- دبستان تازه آباد

آموزشگاههای رودبار

۱- دبستان میروس رودبار ۲- دبستان رستم آباد ۳ دبستان
منوچهری منجیل ۴- دبستان رحمت آباد تنکابن ۵- دبستان
جم رودبار و رودبار پائین ۶- دبستان کلشتر ۷- دبستان حجت شمام ۸- دبستان
نصفی ۹- دبستان سالاریه ۱۰- دبستان جیرنده عمارلو ۱۱- دبستان
کلیشم عمارلو ۱۲- دبستان ناش عمارلو ۱۳- دبستان پاکده عمارلو

{ شاهدخت }

حالا با آقای رضا شاد نماینده فرهنگ ابتدا به دبیرستانها و مد

دبیرستانها میرویم .

آقای شاد معتقدند

که بزرگی و کوچکی

ملی و دولتی مدارس را

در نظر نگرفته از دم

شروع کنیم . بهرحال

بهمین ترتیبی که ایشان

مرا با آموزشگاهها بردند

من شرح میدهم .

شاهدخت یادداشت‌سرای

دختران اولین مدرسه‌ای



بود که اینجا رفتیم این

ویکی دو مدرسه دیگر

پیشم و چراغ آموزش -

گاههای استان یکم است

رئیس شاهدخت

آقای محمد صدیق

کوچکی صاحب امتیاز

و مدیر روزنامه گیلان شهر

میباشند . در اینجا ۳۲۸

دانش آموز در ۸ کلاس



زیر نظر آقای محمد صدیق و ۳۲ کارمند و دبیر دوره اول و دوم متوسط را
تحصیل میکنند .

عکسهای تمام این دختران را در این دو صفحه ملاحظه



روماید . دبیرها چون غالباً سیار بودند من نتوانستم از آنها عکس
بگیرم فقط نام آنها را بخوانید .

آقای محمد صدیق کوچکی رئیس . آقای مظفر شمس دبیر و رئیس دفتر



بانو سمیعی ناظمه . دوشیزه زهرا محتشمی معالی دفتر دار . د
صدیقه محمد زاده دفتر دار . دوشیزه پروین پور بلوری کتابدار



این آقایان و بانوان دبیرهای سیار هستند . آقای مهدی مرکز
آقای غلامحسین باباهادی . آقای عباس پورسید . آقای ابوالفضل تحویلدا



آقای حسن تقی زاده میلانی . آقای موسی حافظی رشتی . آقای محمد
مهندس داداش زاده . بانو دولت حقیقی . آقای مقیم رشتی . بانو ساجدی
آقای شیخستانی آقای صالح آقای طریقی بانو فاطمی بانو فرهنگی .

بانو قره گوزلو دوشیزه فطانت شمار دوشیزه گراکوئی بانو اخوان .
آقای عباس لقمان آقای محمد دیان آقای مدنی آقای مرتضوی آقای



مظفرزاده آقای مهماندوست بانو وجدانی :
حالا چند کلمه هم از آقای رئیس این دبیرستان بخوانید تا بعد بسراغ یک
دبیرستان پسرانه برویم .



آقای محمد صدیق کوچکی فرزند آقای علی (صدیق الایاله)
در ۳۸ سال قبل در رشته تولد و تحصیلات ایشان باین ترتیب آغاز و



انجام شده است . ده سال در رشت و دبیرستان شاهپور . یکسال دارالفنون
در تهران بعد هم از شعبه فلسفه و ادبیات و علوم تربیتی از دانشسرای عالی
لیسانس گرفته اند .



در اسفند ۱۳۱۳ در دانشکده افسری مشغول خدمت
نظام و چهار سال هم دبیر دبیرستانهای نظام و مختلفه شیراز و
ده سال پیش هم وارد رشت و اکنون بارتبه ۹ در استان یکم بخدمت
مقدس فرهنگ اشتغال دارند.

روزنامه گیلانشهر که از سال ۲۵ مرتب انتشار مییابد و
از روزنامه های خوب استان یکم است تحت نظر و سر دبیری و
مدیریت خود ایشان اداره میشود.

این روزنامه بهیچ حزب و دسته ای بستگی نداشته و بواسطه
مخالفت های سرسخت با حزب توده و دار و دسته آن دوچار گرفتاریهای
پیشمار شده است و این موضوع را تمام میدانند. اکنون برای
اثبات این ادعا از لحاظ معرفی اشخاص خدمت گذار چند سطر از
چند نامه که در بین صدها نامه تقدیر از اشخاص مختلف برای ایشان
آمده بود برای شما نقل میکنم. آقای دیوان بگی استاندار استان
یکم در یک نامه رسمی تحت شماره ۱۷۸۶۷ - ۶۱۲۰۲۰ اینطور
نوشته بودند.

آقای مدیر روزنامه گیلانشهر. بطوریکه اینجانب در
خارج تحقیق نموده و از مندرجات روزنامه شما در سنوات غیر عادی
در شهر رشت منتشر شده نیز استنباط میگردیده بارزه شما در تصعیف
عوامل خارجی و عناصر خائن و برهم زدن اساس تشکیلات آشوب
گران موثر بوده و اکنون نیز روزنامه شما جهت تسویر افکار
عمومی و هدایت و راهنمایی آنها بمیهن پرستی و شاه دوستی
عجاهمت کافی مینماید.

آقای سرتیب مقبلی فرمانده تیپ مختلط رشت در ضمن

يك نامه بلند و بالا نوشته بودند. (... خدمات جنابعالی در فرهنگ از این لحاظ بیشتر مورد تقدیر است که تمام مساعی توده و پیگانگان که در تخریب فکر جوانان دانشجو به عمل میآید جنابعالی باشهامت قابل ملاحظه ای چه از راه نامه گیلا شهر و چه از راه سنحرا نیهای لازم آنها را خنثی نموده اید)

آقای سرهنگ تورج امین رئیس شهر بانی در ضمن نامه ای نوشته بودند (...) و اکنون نیز روز نامه شما برای تنویر افکار عمومی و راهنمایی آنها به میهن پرستی و شهادت می نماید)



شاهپور

دیبرستان شاهپور بزرگترین دیبرستان و شت در بهترین ساختمان فرهنگی استان یکم با ۶۷۷ دانش آموز زیر نظر خندانترین و متواضع ترین رؤسای آموزشگاهها آقای سید هلی مستشاری اداره می شود .

لبخندهای ممتد آقای مستشاری نظر هر کس را بخود جلب و حس احترامی در قلب ایشان ایجاد مینماید . شما اولین باری

که ایشان را ببینید از طرز صحنه‌شان خیال خواهید کرد هر چه



بخش-واهدید فوری
برایتان انجام
خواهند داد و یا
اینکه اگر خلاف
مقررات چیزی
درخواست نمایند دست
بسینه فوری رو برای
خواهند نمود در
صورتیکه با یک
لبخند بدون اینکه

بگذارند شهادت لکیر

بشوید شرتان ر
از سر خود کم و
خیالتان را راحت
خواهند کرد.

آقای مستشاری

تحصیلات ابتدائی
و متوسطه را در
رشت کرده و در

غالب کلاسها شاگرد



اول شده اند. بعد هم به تهران آمده و در رشته فیزیک و شیمی لیسانس
گرفتند.



یکی از افتخارات
بزرگ ایشان ساعت
زنیتی است که از
دست مبارک
اعلی حضرت فقید
بعثت رتبه اول
شدن در رشته امور
مالی گرفته و دیگر
نشان درجه ۳ است
که در اردیبهشت
۱۳۲۷ فرهنگ
بایشان داد .



من اموغیه که
بدیرستان شاهپور
رفتم هوا بقدری
گرفته و باران
بشدت میبارید
که بهیچ وجه
نتوانستم در خارج
از کلاس عکس بردارم
کنم .



چند قطعه عکس
را که در آن هوای
بد در کلاس



گرفتم ملاحظه
 رمائید و نام ۴۱
 کارمند و دبیرهای
 سینار و ثابت را
 بنخوانید. البته در
 نظر خواهید داشت
 که نام غالب اقامان
 دبیرها بواسطه
 سیار بودن در شرح
 مجازات غائب
 مدارس دیده
 می شود.
 آقای سیدعلی
 مستشاری رئیس،
 آقای علی اصغر
 عمارلویی معاون
 آقای علی ماهیار
 ناظم. آقایان
 فزومند و پرتویی
 دفتردار. آقای
 زمانی متصدی
 اموال و این آقایان

دبیرهای ثابت و
سیار هستند.



آقای میر معزی
آقای بابا هادی
آقای طائب آقای
موسی جافطی آقای



سید ابراهیم صالح
آقای علی عقیفی
آقای محقق آقای

میر فخرالدین مدنی
آقای سید باقر
مظفرزاده آقای
میر مشعشی آقای



مهندس محمد
داداش زاده

کوچصفهانی آقای
منصور تقی زاده



میلانی آقای محمد
باقر نجفی آقای

غلامحسین تقی زاده
میلانی آقای تشکار

آقای املشی.

آقای بتولی . آقای امیر هوشنگ زرین کلک . آقای محمد رضا
طریقی . آقای شادمند . آقای محمود دانی . آقای کهنمویی .
آقای کوچکزاد . آقای صادق شیخستانی آقای شمس آقای میرد رضا
حافظی . آقای مرتضوی آقای توحیدی . آقای طارم . آقای لیب .
آقای مرگزی . آقای شمس طوسی آقای عظیمی . آقای
دراعی .



شاهنشاه عزیزما در آزمایشگاه طبیعی شاهپور هنگامیکه آقای
حسین کهنمویی دبیر دبیرستان سوسمارهای محلی را نشان میدهند

درد دبیرستان شاهپور سالن بزرگی است که نمایشها و
جشنهای فرهنگی در آن برگزار میشود . قبلا عرض کردم . در
جشن مهرگان من در رشت بودم جشن بسیار مجلل و باشکوهی
بود که نظیر آن حتی در تهران کمتر گرفته میشود و بقول مجله
فکر جوان جشنهاییکه سوء استفاده در آن نموده وزیر نظر اشخاص
پاکی برپا شود همیشه آبرو مند خواهد بود .

اشخاصیکه بیش ازهر کس دراین جشن بزرگ فرهنگ



45.

يك منظره از جشن مهرگان

جانفشانی میکردند جناب آقای شکرایی و خانمشان بودند، من خانم
آقای شکرایی را تا آن موقع نمی شناختم. همینقدر میدیدم يك زن
جوان مثل برق از اینطرف بآنطرف میدود و با وجد و سرور
مخصوصی جای اینرا با آن و جای آنرا با این عوض کرده و نمای
خارجی هر چیزی را باطرز زیبایی میآراید. از لحاظ معرفی
خدمتگذاران فرهنگ بدون اینکه قبلا بایشان بگویم هنگامیکه
مشغول چیدن گل برای جشن بودند يك عکس گرفتم. بعد هم در
در او اسط جشن از موقعیت استفاده

کرده از ایشان سوال کردم :

نام شما چیست و بچه چیز علاقه دارید

لبخندی زده گفتند : نام

میرامینخواهید بسیار خوب . من



بانوشکرانی هستم و بدو چیز علاقه دارم . یکی فرهنگ و دیگری يك دختر و پسری که خدا بمن داده است .

درباره ایشان از دیگران هم سوالاتی کردم . گفتند :

بانوشکرانی علاوه بر سمت دبیری دبیرستانهای شاهدخت و فروغ مانند شوهر خود همیشه در خدمات فرهنگی پیشقدم میباشند و از قرار معلوم همین روزها نیز مصممند که کود کستان آبرومندی با اسلوب کود کستانهای آمریکا و اروپا در رشت دائر کنند .

عکسهای دختر و پسر ایشان را در صفحه مقابل ملاحظه میفرمائید . من چون روز بعد از این جشن بتهران آمدم نتوانستم با ایشان مصاحبه کرده و شرح حال و خدمات این بانوی فرهنگ دوست را برای شما بنویسم .

بین انتشار جلد اول و دوم این کتاب تصمیم دارم دوسه روز بر رشت بروم . آنکاه بعد از مصاحبه ای که با ایشان خواهم کرد شرح حال و خدمات فرهنگی و دوران کار ایشان را با عکسی که قبلا عرض کردم در جلد ۲ بنظر شما خواهم رساند



تربیت نسوان

بنسوان ما تربیت دادگاه مصون باد ایران و پاینده شاه
این شعری است که در بالای یادداشت های تربیت نسوان
چاپ شده است. در ۲۵ سال قبل دبیرستان ملی تربیت نسوان تحت
نظر بانو مریم شفیع زاده بصورت يك دبستان مختصری افتتاح
یافت. چند سالی گذشت و بواسطه زرنکی زیاد بائوی نامبرده این
دبستان دبیرستان و حتی امروز در ردیف آموزشگاه های بزرگ
استان یکم قرار گرفت.

من قبل از اینکه برشت بروم نام این دبیرستان بگوشم
خورده بودشمانیز شاید نام آنرا شنیده باشید. موفقیت و معرفی
این دبیرستان تنها در اثر افکار و روحیه مردانه این زن زرنک است
و جا دارد که باین زن نام مرد بدهند.

از زرنکی این زن همین بس که
هیتر هنگامیکه نهایت قدرت را داشت
برای این شخص يك رادیو بعنوان
تقدیر فرستاد. استالین يك مدال و مجله
انگلیسی شیپور درباره اش در ضمن يك
مقاله بزرگ و سرتاسر تعریف و تمجید



نوشت (مؤسسه فرهنگی تربیت نسوان در سال ۱۳۰۲ خورشیدی
باهمت بلند و کوشش مردانه بانو مریم شفیع زاده که از بانوان
روشن فکر رشت است تأسیس یافت).



تربیت پسران

دیرمستان ملی تربیت پسران یکی از آموزشگاههای بزرگ



رشت و تحت نظر
موسس و صاحب آن
آقای محمد باقر غروی
اداره میشود. این
آموزشگاه دارای
دوره‌های ابتدائی و اول
و دوم متوسطه و در
۲۲ سال قبل دائر شده
است.

آقای محمد باقر غروی

رئیس این دبیرستان
که امروز درست
۵۲ سال از سن
ایشان میگذرد
تحصیلات مقدماتی
خود را در مدرسه
علوی در نجف بیابان
رسانید و بعد پس
از اتمام درس عربی



با اجازه مدرسی بایرات آمدند. البته نا گفته نماند که قبل از آمدن بایرات مدتی هم با شخصی بنام شیخ عبدالعلی امفانی دبستانی را در نجف بطاظر محصلین ایرانی اداره میکردند.



در سال ۱۳۲۵ بواسطه داروی اشتباه که دکتر بایشان داده بود دو سال تمام زمین گیر شده و نتوانستند از جا برخیزند و دبیرستان را



آقای حسن غروی فرزند ایشان اداره میکردند.



آقای حسن غروی تحصیلات مقدماتی را در دبستانهای اسلامی قآنی

حمیت خانم داده و دیلم کامل شش ساله (شعبه ادبی) را از دبیرستان



شاهپور گرفته اند . بعد هم برای ادامه تحصیل به تهران رفته در دانشکده [



حقوق مشغول تحصیل شدند مقارن همین هنگام بدربارشان دوچار واقعه



بالا و ایشان هم تحصیل را ترك و برهت عزیمت کردند .
آموزگاران و دبیرهای ثابت و سیار این و دبیرستان این

آقایان هستند: آقای محمد میرشمشع . آقای فخرالدین امیرمعزی آقای



محمد باقر محقق . آقای انصار . آقای محمد صادق شیخستانی . آقای



انوشیروان تعبسی اکبر • آقای میربائر مظفرزاده • آقای حسن باباهادی
 آقای مقیم رسائی • آقای ابراهیم صالح • آقای منصورتقی زاده • میلانی • آقای
 مهدی مرکزی • آقای ابوالفضل نحویلداری • آقای محمد قدسی • آقای موسی



غروی آقای مهدی اسکویی زاده • آقای خسرو کشاورز • آقای سعید منجیان •
 آقای بتولی •



آقای مهدی سمعی • آقای سید عظیم میر عبدالعظیمی • آقای هادی
 جدید طواف • آقای محمود مرتضوی • آقای اسمعیل خاضعی •

سعادت نسوان

درسی و یکسال قبل . همان روزهاییکه غالب بانوان مادست



راست و چپشان را
از هم تمیز نمیدادند و
در گوشه عزلت و
انزوا زیر کفن های
سمیاه شب دراز و روز روز
را شب میکردند بانوی
جوان ۲۱ ساله ای سر
از کورستان زنسان
بلند کرده باهمت مردانه

شیپور پیش مارش
زنان را در دست گرفت
این بانو که با روح
خستگی با پذیر برای
ارشاد جامعه بانوان
اولین بار قد علم کرده
و با انتشار مجله پیک-
سعادت و افتتاح دبستان
چهار کلاسه ای بنام
سعادت نسوان قدمهای



برجسته‌ای برداشت بانو روشنگ نوع دوست صاحب و مدیر مؤسسه
دیپارستان ۱۱ کلاسه سعادت نسوان فعلی است .



بانو روشنگ نوع دوست که کیسوان خود را در خدمت
بفرهنگ سپید و امروز در ردیف چند زن بزرگ ایرا در آمده



است در ۵۲ سال پیش در رشت متولد شده و ادبیات فارسی و فرانسه
را پیش پدر خود که از پزشکان معروف آن دوره بود فرا گرفته اند

بعدهم مدتی نزد مرحوم صدرا لافاضل و مرحوم تنها در رشته ۵- ای
ادبیات عربی ریاضی تحصیل نمودند



فیروزه بامخالفین سرسخت تحصیل دختران . انتشار مجله



پیک سعادت • همقدم شدن با جمعیت پیک سعادت و افتتاح قرائتخانه



پيك سعادت نام يانوَ روشنك نوع دوست را بـسـر بـانـهـا اـتـدـاـخـت ز
آموزگاران و دبیرهای ثابت و سیار دبیرستان سعادت



نـسـوان اـيـن [بـانـوا] و آقاـيـان هـسـتـنـد .
مانو خلیق • آقای باباهادی • آقای مهباندوست . آقای



نعمی اکبر • آقای یزدانفر • آقای میلانی آقای مظفر - رزاده •



آقای شخستانی • آقای سید عباس لقمان • آقای فخرالدین سیکوردی

آقای علی عظیمی • آقای طریقی • آقای مرگزی • آقای پروانه
آقای تحویل داری • آقای ادیب سمیعی • بانو دکتر فرهنگی • بانو



وحدانی • بانو

نادرسیان •

بانو شلمانی •

بانو کوچکپور •

بانو ساداتی • بانو مولائی • بانو فرهنگی • دوشیزه نسرین رصدی •
بانو کلمه سرب • دوشیزه حائری • دوشیزه آذر کنار • دوشیزه
بولکچی بانو هیمالی •

قآآنی

دیرستان ملی قآآنی، در حال تشنج و نزدیک بچهل و یک
درجه ته دارد از آموزشگاههای قدیمی و کهنه ای است که بطور
ختم امسال یا آخرین سال این دیرستان و یا با قدمی که در حال بلند
کردن است در ردیف بهترین مؤسسات آموزشی فرهنگ در خواهد
آمد •

من اولین باری که باین دیرستان رفتم بقدری دردم
بحدی شلوغ و متشنج بود که اگر از مدیر آن که جوانی بسیار
هریف و نویسنده فاضلی است خجالت نمیکشیدم هماندم آنجا را
ترك و برای همیشه نام قآآنی را بر زبان نمی آورم •

حال دلیل تشنج آن چیست ؟! . این دبیرستان سال گذشته

آخرین رمق خود را
از دست داده بود
آقای قدیر بیشه بان
که سه ماه پیشتر نیست
ریاست این مدرسه را
در دست دارند بایک
طرز دموکراسی
بسیار شدید شروع
بکار کرده اند. دانش
آموزان در نهایت
آزادی و آنطوریکه

دلشان بخواهد انجام وظیفه میکنند. حال معلوم نیست و نمیتوان
پیش بینی نمود. این ره که میروند بترکستان است و یا اینکه این



تحول شالوده جدیدی است که مقدمات پیدایش یک دبیرستان بسیار

بزرگ و خوبی باشد ولی آنچه مسلم و محرز است آقای قدیریشه بان جوان بسیار خوش ذوقی هستند و تحصیلات ایشان در نهایت سربلندی



و سرافرازی بیایان رسیده و بطوریکه پرونده و کارنامه های تحصیلی ایشان نشان میدهد در تمام کلاسها شاگرد اول شده اند.



از آثار ایشان داستان (زرافشان) که در سال ۱۳۲۰ منتشر شده بود من دیدم و راجع ببقیه آثار ایشان سوال کردم گفتند: امیدوارم بتوانم چند کتاب دیگری را که نوشته ام بمروربچاپ برسانم.

آموز کاران و دبیرهای سیار و ثابت این دبیرستان این
آقایان هستند. آقای عباس کوچکپور. آقای جزایری. آقای



اسفندیار نیازی. آقای علی قدسی. آقای ربیع فروغان. آقای
پورسید. آقای مرکزی. آقای محمد تقی صدوقی. آقای عزیز



قدیمی. آقای مرتضوی. آقای لیت. آقای بدرالدین فدائی
آقای محمود خساره. آقای حسن عبدالحی. دوشیزه بوران حمایتی



رهنمای سعادت نسوان

دیرستان ملی رهنمای سعادت نسوان که بریاست و تحت



نظر بانو عزت

فرزان اداره میشود

عید نوروز امسال

۱۳۲۸) قدم خود

را در بیست سالگی

میگذارد.

این دیرستان

که تا ۱۳۱۵

دبستان و از آن

تاریخ بعد دبیرستان شده است دارای ۹ کلاس و ۲۶۰



دانش آموز میباشد.

بانو عزت فرزان مدیره و بانو سرور فرزان ناظمه این

دبیرستان که گویا خواهر باشند و من این موضوع را ستوال
نکردم دوزن



بسیار فهمیده و
مهربانی هستند
که عموم دختران
این دبیرستان
و امثل فرزندهای

خود در آغوش
ناز و محبت
پرورش داده
و در نهایت
جدیت به تحصیل
سرمايه علم



دانش، عفت و تقوی، و امیدارند *



آموزگاران و دبیرهای سبار و ثابت این دبیرستان این
بانوان و آقایان هستند * خانم سرور فرزانه * دوشیزه
خدیدجه نامیان * دوشیزه زینت عشیقی پور * دوشیزه پروین



• بحر
بیزه صدیقه
• محمدی
شیزه زهرا
• دوشیزه
• ابن مبرا
شیزه جمیله
• دوشیزه
ل رحمانی

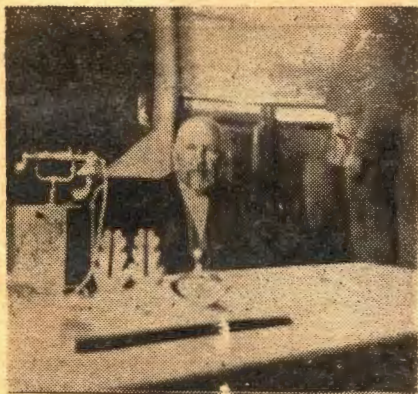


• رمی. آقای یوسف صوفی. آقای مرکز. آقای دهقان. آقای حاتمی. آقای علی قدسی.

اسلامی

دیرستان ۳۷ ساله اسلامی یکی از کهنه‌ترین و بزرگترین آموزشگاه‌های ملی و فرهنگی استان یکم است و تا کنون ده‌ها هزار نفر فارغ‌التحصیل از آن بیرون آمده‌اند که امروز غالب مرتب و سرهنگ. وکیل و وزیر هستند.

آقای علامرضا



صنعتی تهرانی صاحب
و مؤسس این
دیرستان در سال
۱۲۹۰ امتیاز
دستان اسلامی که
البته بعداً بصورت
دیرستان در آمد
گرفت و از آن
روز تا هفت سال

پیش مرتب خودش ریاست و مدیریت آنرا به عهده داشت ولی فرهنگ استان یکم در سال ۱۳۲۰ بواسطه کبر سن ایشان برای اینکه کمکی کرده باشد نماینده‌ای برای مدیریت فنی بنام (نماینده فرهنگ) بآنجا فرستاد که قسمتهای آموزشی و اداری را تحت نظر بگیرد

اکنون آقای سید محمد علی صالح نماینده فرهنگ در این

دیرستان می باشد و بتصدیق بزرگ و کوچک این مؤسسه بزرگ

رهنگی را با نهایت سیاست
فهمیدگی اداره می -
کنند .



آقای صالح با [اینکه]
از ده سال بیشتر نیست که
حصیلاتشان تمام و مشغول
خدمت فرهنگ شده اند
لی بازمثل اشخاصی که
۵۰ سال در فرهنگ خدمت
کرده باشند مورد احترام
سگاتند .

این آقایان دیرها و آموزگاران ثابت این دیرستان



هستند : آقای محمد حسن شریعتمداری . آقای اتمی . آقای
رهبرمدامی . آقای محمد بیانی . آقای احراری . آقای طاهری

آقای نحوی •

آقای اکبرزاده آقای خادم العلوم • آقای شریعت زاده



آقای ملک اخلاق • آقای مهدی مستشاری آقای امیدوار •

حال چند کلامه هم از یکی از شخصیت‌های مطبوعاتی که در



ایم دبیرستان با سمت دبیری مشغول کار هستند و من نیز افتخار دوستی ایشان را دارم بشنوید و بعد بسراغ دبیرستان فروغ



مرویم •

آقای محمد حسن شریعتمداری ناشر و نویسنده با شهامت



جوان دوهفتگی یکی از جوانهایست که ظاهر بسیار ساکت



ن بی نهایت انقلابی دارند و بطوریکه نوشته‌های ایشان نشان



ه هنگامیکه در ضمن نوشتن بنقطه‌های احساساتی بر می‌خورند
ز قلم از دستشان خارج وی با کانه آنرا می‌تازانند و زمانی

که دوهدفشان (شاهپرستی و فرهنگ دوستی) پیش آید دوست و رفیق.



و آشنایان را آموزش میکنند و می‌نمایند که ملاحظه فرموده اید مجله ایشان



بسیار خوب و جامع و قلمشان روان است و من ناظر بودم هنگامیکه



این مجله برای چندروز از طرف شهربانی توقیف و چاپ آن عقب افتاده بود عده بیشماری از دانش آموزان و کارمندان فرهنگ

ری

اظهار تأسف میگردند .

از اتفاق چند دقیقه قبل مجله فکر جوان از رشت برایم رسید و من در

آن دقیقه مشغول

نوشتن مسطور

پالا بودم. از

اشتیاق زیادی

که بنوشته‌های



ایشان دارم فوری نوشتن

را ترک و مجله را به نظر کردم

اولین جمله‌ای که نظر

مرا جلب کرد این بود

(پادشاه سایه خدا است)

عشق شاه پرستی و

فرهنگ دوستی گو در



وجود ایشان سرشته شده است قابل تقدیر

و از اینکه ایشان جوانان و فرهنگیان

را با نهایت جدیت و ذوق بشاه دوستی

ترغیب و تهیج میکنند قابل احترام زیاد

می باشند .



آقای صدر رفیع یکی از

همکاران (پروا فرس)

آقای سرجمداری هستند

اشد

فروغ

در چهل و سه سال بیش يك بانوی آمریکایی بنام (شولر)
بایران آمده و در رشت آموزشگاهی بنام مدرسه آمریکایی دائر



نمود . این بانو پس از ۶ سال یکشور خود مراجعت و بانو دکنتر فریم
بجای ایشان منصوب گشت .

بن ب و هم هفت سال بیشتر دوام نیاورد و بانوی دیگری



بنام بانو (امرسن) آمد .



بنو (امرسن) قدم خوشی برای مدرسه آمریکایی نداشت

رسال بعد از آمدن ایشان انقلاب کیلان شروع و بانوی نامبرده
مجبور شد که بساطش را جمع کرده بآمریکا فرار کند و در نتیجه
مدرسه تعطیل گشت .

چهار سال طول کشید . همینکه سرو صداها خوابید
کله بانو هلن کلارک پیدا شده گفت . من آمده ام هشت نه روز
مانده فقط سروصورتی باین مدرسه بدهم .

تبریزی ها میگویند هر کس برشت برود و يك ماهی بخورد



گر نمیتواند آنجا را ترك کند . خانم هلن کلارک هم ندانسته
نهمیده يك ماهی خورد و بعوض نه روز ۹ سال تمام در رشت
ندنی شد .

در سال ۱۲۱۲ بانو کلبسی از آمریکا آمده و خانم هلن -

كلارك را كه فقط هشت نه روزه برای سرکشی برشت آمده بود روانه آمریکا و خودش بجای او ریاست دبیرستان را در دست گرفت .

در شهر یور ۱۳۱۹ به فرمان اعلیحضرت قعید رضاشاه پهلوی موجد ایران جدید کلیه آموزشگاههای خارجی تعطیل و وزارت فرهنگ در آن مراکز شروع بکار کرد .

در این سال نام مدرسه آمریکائی مبدل بفروغ و مدیریت آن بیانو کو گن سهرابی برکنار گشت . بانو سهرابی پس از یکسال بتهران منتقل و بانو محمص ریاست این دبیرستان منصوب شدند بانو محمص یکی از بانوان بزرگ و معروف فرهنگ هستند و من تمام مدتیکه در رشت بودم ایشان در تهران و برشت ایامده بودند و من ایشان را در آنجا ندیدم فقط سه هفته قبل در برنامه سخنرانی ایشان در دبیرستان دارالفنون شرکت کرده ولی چون

موقعیت آنروز اجازه

تمی داد موفق نشدم که

عکس ایشان را برای

شما تهیه کنم .

پانزده آروز بکه

من در رشت بودم و

حومه بار باین دبیرستان

رقم تمام امور اقلی و

اداری در دست آقای

سید احمد تقی بی دبیر



قاظم آنجا بود و اکنون نیز آقای تقی‌بی که ۲۶ سال قبل وارد فرهنگ شده و ۴۸ سال سن دارند پدر بسیار مهربان و خوبی برای دختران فروغ می‌باشند [معروف است که قبل از



اینکه فرهنگ بفکر تعلیم و تربیت سالمندان بیفتد ایشان چهار کلاس برای سالمندان دایر کردند و این چهار کلاس از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۹ دوام کرد.

از سال ۱۳۱۱ که دولت شروع بتعلیم سالمندان و کلاس‌های اول و دوم را دایر نمود آقای تقی‌بی کلاسهای ۵ و ۶ و اول متوسطه را دایر و ده سال تمام با نهایت جدیت و فعالیت کار کردند

دانشسرای مقدمه‌ای

دانشسرای مقدماتی پسران رشت ۱۴ سال قبل طبق اساسنامه تأسیس دانشسراها مصوب شورای عالی فرهنگ در رشت افتتاح

گردید و تا مهر سال گذشته دانش آموزان بجای استفاده از شبانه روزی مبلغی بعنوان کمک هزینه می گرفتند .



از شهریور ۱۳۲۴ تا دوسه روز قبل ریاست دانشسرای آقای محسن معینی بود . آقای معینی بدائره بازرسی فنی منتقل و راجع بشخصی که بجای ایشان گذاشته خواهد شد تا این ساعت اطلاعاتی بدست نیاورده ام .

من بیش از چند دقیقه در این دانشسرا نبودم و بعد هم که آنجا رفتم آقای سمیعی ناظم و مدیر آن بتهران رفته بودند مقصود اطلاعات جامعی از آنجا نتوانستم کسب کنم همینقدر میدانم و آقای معینی رئیس سابق آن برای من نوشته بودند که جناب آقای شکرائی از بدو ورود به توجه خاصی در صدد رفع نقائص دانش سرای مقدماتی برآمدند و با تأمین کسری اعتبار و اقدام نسبت باستقلال مالی و اجاره مکان مناسب حسن تربیت و تنظیمی بامور شبانه روزی داده شد و فعلا با وضع بسیار مطلوبی اداره میشوند .
در امتحانات نهائی خرداد و شهریور ۱۳۲۷ جمعا ۲۳ نفر

از دانشسرا فارغ التحصیل شدند که آماده خدمت آموزگاری هستند
و در سال جاری ۲۶ نفر در کلاس اول و ۴۰ نفر در کلاس دوم
بتحصیل مشغولند.

کارمندان و دبیرهایی که در دانشسرا تدریس میفرمایند این آقایان

هستند .



آقای سیمی . آقای مهماندوست . آقای کوچمدهالی .
آقای عاکف . آقای آصف . آقای صدر رفیع . آقای میر لاهیجی .
آقای باباهادی . آقای رسائی . آقای دادا شزاده . آقای غضنفر
نابت . آقای لقمان . آقای مظفرزاده . آقای مرکز



فارابی

دیرستان و دبستان فارابی یکی از بزرگترین مؤسسات
فرهنگی استان یکم است که دارای ۱۹ کلاس و ۸۶۵ دانش
آموز میباشد و تحت نظر یکی از محبوبترین جوانان فرهنگی

استان یکم اداره میشود.

دیرستان قاریابی معروف بدانشرای پسران در يك

قطعه شهر و از کلاس اول ابتدائی تاسه متوسطه دارد .

امادستون قاریابی (شماره ۱) از کلاس اول ابتدائی تا

شش و از هر کلاس هم چندمکرر داشته و دريك قطعه دیگر شهر

مییاشد . ولی هر دو بنام قاریابی خوانده میشود و جناب آقای شکرانی

ریاست هر دو آنها را بیک نفر آنهم بیک نفر بیکه حقیقتاً شخصیت این

پست بزرگ را دارد محول فرموده اند .

آقای نصرت مقیم



رئیس دبیرستان قاریابی

و دبستان شملوه يك بیند

همکاران خود نیو محبوبند

گما اینکه چندین محال

براست و نیابت جامعه

فارغ التحصیلان گیلان را

بمهره داشته و بتصدیق

جامعه رشت و تهران و

کنگره مرکزی قدمهای

بنیاد مفیدی برای جامعه فارغ التحصیلان گیلان برداشته اند ولی

بنداً بعلل رنگین شدن جامعه بحزب توده باوجود اصرار عده ای

از دوستان از عضویت کناره گیری نمودند .

بطوریکه من دریافتم توجه مخصوص آقای مقیم به تعلیم

و تربیت صحیح شاگردان و علاقه زیاد مردم باین شخص موجب شده است که همه ساله ابتدا



دانش آموزان صرف نظر از زیادی راه تقاضای انتقال باین ثبت نام فرزندان شان را بآموزش گاه فاریابی دارند بطوریکه امسال این دوموسسه بداشتن ۱۹ کلاس بهمت کثرت دانش آموزان چا رشد

که نزدیک بدویست تن از شاگردان خود را بدستان اسلامی و یکصد و پنجاه تن را بدیرستان شاهپور باین دیستانهای مژوهی و



و رشیده و دیگر آموزشگاهها منتقل نماید .

جدیت و پشنگار و ابراز علاقه ایشان بتعلیم و تربیت صحیح

پهپ شده است که کسراراً مورد تشویق و تقدیر کتبی و شفاهی



دوّمای وقت و وزارت فرهنگ واقع شوند و جناب آقای شکرانی



هم همینطور که در بیلا عرض شد بواسطه جدیت ایشان بنام



تشویق دیاست دو آموزشگاه بزرگ را بایشان محول

فرمودند •

دیران و آموزگارانی که در این دو آموزشگاه تدریس



میفرمایند این بانوان و آقایان هستند :



آقای حسن آصفی • ناظم دبیرستان • آقای زادانفرخ



ناظم دبستان • آقای دانش پژوه دفتر دار دبیرستان • آقای



• دبیران: آقای مهندس داداشزاده • آقای جافظی •



آقای امیرمعزی • آقای بقولی • آقای شمیسا • آقای انصار • آقای



مرتضوی • آقای طریقی • آقای باباراده • آقای پور فولادچی •

آقای انصار فومنی. آقای دهقان. آقای شادمند. آقای لبیت آقای فرجاد.



آموزگاران : آقای محمود باقی . آقای بشرزاد . آقای



عزیز قدیمی . آقای محمد باقر عطرچیان . آقای محمد تقی یگانه



بانو ملوک موحد.

آقای خلیلی فر.

بانو دریادل.

آقای مستمند.

نیاز مهر. بانو

سرخوش. بانو

کباری. آقای

خامکشی پور

آقای ناجی. بانو

هاجر هدایتی.

بانو فاضله چهره کشا

بانو معزز نثیه.



بانو نصرت اعظم یکی

بالوان خیریکه مرغب با

کمکهای مالی کودکان

بیمچاره را شاد میکنند

عنصری

یکی دیگر از دبستانهای پرجمعیت و بزرگ استان یکم
دبستان عنصری (شماره ۲) است که دارای ۱۳۱ کلاس و ۶۰۵ نفر
دانش آموز میباشد. عکس زیر را ملاحظه فرمائید.

این آقا رئیس

همین دبستان و یازده

سال است که مشغول

خدمت فرهنگ هستند

من برای اولین بار

که آقای یوسف ظهیری

احمدی را دیدم پیش خود

قضایوت کردم که حتما

جوان زرنگی باید

باشند. از قضایکنفری

هم که در آن ساعت

راجع بایشان سوال نمودم گفت: اگر زرنگ نبودند که رئیس
یك دبستان آبرومند و بزرگی نمیشدند.

آقای یوسف ظهیری احمدی تحصیلات ابتدائی را در بندر-

پهلوی و متوسطه را در دبیرستان شاهپور رشت با تمام رسانیده اند

بعد هم ز دانشسرای مقدماتی با معدل قابل توجهی بیرون آمده
مشغول خدمت فرهنگ شدند.

در شهریور ۱۳۲۰ موقعیکه ایشان افسر وظیفه و خدمت



تظام را انجام میدادند آن وقایع تأثر آور و ناگوار برای ایران
روی آورد . ایشان



بسمت متصدی گروهان
نهم هنگ ۸ پیاده
سپهبدان تبریز برای
جلوگیری از قوای
خارجی بجبهه شمال
اعزام شدند حال
چطور شد و چه صدماتی
دیدند از موضوع این
کتاب خارج است .
بعلاوه از اوضاع

و وقایع آنروز که مطلعید . بالاخره پس از صلح و برقراری نظم



ایشان مجدداً برشت عزیمت و بسمت دبیری دبیرستان ایران شهر
لاهیجان انتخاب شدند -

دو صنعت ایشان خیلی قابل توجه است . یکی روح دیکتاتور



در عین خوشرومی و خوش اخلاقی که این موضوع باعث پیشرفت و



درست تربیت شدن کودکان است . دیگر وظیفه دانی که ثمره آن



بر همه مبرهن است .

آموزگارانی که در این دبستان تدریس میفرمایند این



۱ بانوان و آقایان هستند :



۲ آقای عباس لیب • آقای محمد باقر پیروزی • دوشیزه •



فاطمه فطانت شعار • یانو واله شیدا • بانو معصومه انصاری کیلانی

بانو بزرگمهر پرورد

دوشیزه کبری

نیامحمود دوشیزه

فخری فارانی. بانو

هاجر رفیعی تهرانی

بانو فرکس دارابی

سلطان آبادی *



بانو بتول شفتی • بانو
فاطمه نفیسی • بانو
طلعت هساری • آقای
بزرگ شوشتری آقای
مجمد علی مبرهن شفیع
مانو صدیقه نجفی ساداتی
آقای غلامرضا دهقان



~~~~~  
چای  
~~~~~

هر در این دبستان نوشته است دبستان دولتی کشاورزی ولی من

ازهر کس حتی رئیس آن
آقای موسی مهربد نام
آنرا سراغ گرفتم گفتند
عسجری است. این دبستان
دارای ۸ کلاس و ۴۰۴ نفر
دانش آموز میباشد.



آقای مهربد که بیست
و دو سال تمام است در
رشته ریاضیات تدریس
کرده و امروز رئیس

این دبستان هستند در سال ۱۳۱۴ کتاب یکصد و پنجاه مسئله ای

جراى سال پنجم و ششم تهوين و تاليف نمودند كه امروز مورد استفاده عدم زيادى از دانش آموزان ميباشد .

از دوران كار و

خدمت فرهنگى ايشان
سراغ گرفتيم . گفتند:

ز تاريخ ۲۴ ر ۶۲۵
كه تحصيلم در دبستان

شاهپور تمام شد بسمت

معلمى حساب و هندسه

و ۶ دبستان رودكى

و بعد فاريابى و از اول

بهمن ۱۳۰۲ بسمت

ديبرى رياضيات دبستان شاهپور منصوب شدم . بعد هم بترتيب
در اين مدارس : دقيقى ترغيب فاريابى ابن سينا عنصرى كار كردم

تا اينكه ناظم و دبستان

دقيقى و باز مجدد ديبر

رياضيات دبستان شاهپور

و بالاخره بسمت مديريت

ابن سينا منصوب گشتم

آقاى موسى مهربان

شخصى است بسيار مهربان

و خون گرم و در هيچ كجا هيچ كس را نديدم كه از ايشان بدگوى
كند .



درومن خاطرہ پذیرائی ہائیکہ ازمن کرد د من ہیچوقت



از یاد نمیبرم .

آموزگاران ثابت و سیار که در این دبستان تدریس میفرمایند





این بانوان و
آقایان هستند :
آقای جلال ثابت
ناظم دبستان
دوشیزه منیر -
السادات مشیری
دفتر داره آقای
حسن کوچکی



بانو ملوک سعید
دوشیزه شرافت
رسول دوشیزه
عزت راعی بانو
ملوک مبشر
توفیق دوشیزه
نوزاد آموزگار



بانو عذرا ساعد
فرهمند دوشیزه
فاطمه فقیه زاده
گیلانی آقای
احمد هاشمی

رودکی

دبستان رودکی یکی از آموزشگاههای پرجمعیتی است که دارای

۹۳ کلاس و تحت

مظریکی از کارمند

های بسیار با ذوق

و فهمیده فرهنگ

اداره میشود.

آقای مرتضی

خداپنده رئیس این

دبستان جوانی است

سربرزیر. ملایم. بی اعتنا

و در عین حال بینهایت



مهربان. من اولین

یاری که باین مدرسه

رفتم از ایشان چه

پتھان خیلی کردم با

یک کارمند خشکی

طرف صحبت شده ام.

ولی بعد از یکی

دو روز معاشرت

دریافتم که ایشان



خشك كه نيسند هيچ بينهايت بخته و زرنك نيز ميباشند و سرايشان
وسط همه سرها و در هر گوشه و كنارى كه برويم نامشان
بالاى همه ناماست .



از يك پيو خرد فرهنگى سراغ گرفتم كه ايشان کدام طرفى
است گفت :



(نه چيى و نه چيى) است .



چپ و راست شنیده بودید ولی شاید چپی و چپی نشیده باشید.
اجازه بفرمایید قصه چپی و چپی را برایتان شرح بدهم :
مردی دو زن داشت . روزی بخانه این زن و روز دیگر



بخانه آنزنش می رفت . وسط خانه این دو زن يك رود بسیار
بروگه و بر آبی جریات داشت . این مرد نام يك زن را چپی



و نام دیگری را چپی گذاشته بود . یکروز که میخواست از خانه



این زن بخانه آن زنش برود آب بقدری زیاد بود که او را از

جا بلند و شروع بفلطاندن کرد .
مینطور در حالیکه آب او را میبرد این شخص فریاد کشیده .



میگفت : نه چیم . نه چیم چلپ و چلپ چلیم ؟
مقصود این آقای پیر مرد فرهنگی این بود که آقای خدا بنده



و پس این دبستان نه این طرفی و نه آنطرفی بلکه در این میان



متحیر و نگران میباشند . وای آنچه من فهمیدم ایشان خیلی باز
و روشنف و پشاه و وطن و فرهنگ خیلی علاقه مند هستند .

هوران کار ایشان : یکسال دبیر دبیرستان شاهپور •
چندی در فرهنگ شهسوار • بعد در دبستان نویناد فیروزکوهی و



مدیریت عارف در تهران بالاخره در بازرسی فرهنگ استان بکن
و امروز رئیس این دبستان میباشد •



مدال درجه ۲ علمی و تقدیر نامه های زیادی که فرهنگ بایشان
داده است نماینده خدمات برجسته ایشان میباشد.



آموزگارانی که در این دبستان تدریس میفرمایند این بانوان
و آقایان هستند :

آقای حمده الله ابراهیمی • آقای ابراهیم برخورداری • آقای
 غلامحسین نیارکی • دوشیزه ملوک انزانی • بانو ایران فتح الله زاده
 دوشیزه زینب سمیع زاده • دوشیزه ملوک مذهبی • بانو ملوک کارگر
 گلستان • آقای حبیب الله مقیمی • بانو ایراندهخت دانش پژوه •



دوشیزه فاطمه خلیلی • بانو شوکت حق • آقای عبدالحسین دیور •
 دوشیزه هاجر بلانش سودمند رحیمی • دوشیزه عالیہ نخست یوسفی پور
 آقای عزیز قدیمی • آقای صدر بخش توحیدی • آقای پروانه •
 آقای مرتضوی •

دقیقی

کلمه دقیقی مرا یاد شیرینی (شب پاسبی) انداخت • شما
 در هر شهری بروید يك چیزها یا موضوعات تازه ای می بینید که در
 نظر شما عجیب و در نظر خودشان خیلی عادی و معمولی است •
 مثلاً در همین تهران بیشتر کارهاییکه ما میکنیم در نظر

اغلب شهرستانی ها غیر معمولی و عجیب و غریب است . من در ۱۵
روزیکه در رشت بودم موضوع هایی نظر مرا جلب کرد که تا حدی
برایم جالب و حتی بی مزه نبود . مثلاً همین شیرینی (شب پاسی) .



اولین روزیکه من بدبستان دقیقی رفتم يك سینی ملو از شیرینی و



قندق بعنوان چشم روشنی برای کارمندان آورده بودند که هنگام



تقسیم سهمی نیز بمن رسید . پرسیدم این چیست ؟ گفتند شیرینی

شب پاسی است و اینطور برایم شرح دادند : در رشت رسم است که برای بانوان بار دار و کودکان نوزاد پس از ۷ روز که از وضع حمل



پگذرد جشن و شب نشینی گرفته و از اول شب تا صبح بافندق بلزی (تک یا جفت) میکنند و این جشن را بنام (شب پاسی)



میخوانند و در ضمن برای آنها بیکه در جشن شرکت نکرده باشند



فندق و شربنی اش را میبرند •

طرز عزاداری
هم در شهرستان
ها متفاوت است
و هر کجا يك
نوع عزاداری
میکنند . مثلا



از رشت موضوع
(شمع ریزه گل
میریزه) را برایتان
شرح میدهم .



شب عاھورا
من در رشت بودم



شمع های بسیار
نازك شبیه بهجوب
كبریت البسته
درازتر درست
کرده میفروختند
فروشنده ها این



شمع را میخواستند
(شمع ریزه
گل می ریزه
کی دوخواده
مال حضرت
ایتاده شاهی)

خالب مردم هم دسته دسته آنها را خریده روشن میکردند و از جلو چهل منبر که در کوچه ها گذاشته بودند رد میشدند.

من در آن شب هنگامیکه مشغول شنیدن آهنگ (شمع ریزه کل میریزه) بودم یکمرتبه دو جوان در حالیکه دو شمع بسیار



بزرگه شبیه بلوله بخاری در دست داشتند با برهنه از جلوم گذشتند.

از آنها پرسیدم اینها چیست. يك خانى كه پهلويم ايستاده بود چپ چپ نگاهی به من کرده گفت: فضولى موقوف.

لال شدم و جرئت اينكه پيرسم و اينجا براى شما بنويسم نکردم.

روز عاشورا برای شرکت در سوگواری باستانه رفتم. آستانه قصبه بزرگی است وسط راه لاهیجان و رشت و روزهای عاشورا از اطراف ده ها هزار نفر بانجا میروند.

گفتند (دسته) میاید. برای اینکه اجری هم نصیب ما بخود حالت غم بخود گرفته سرم را بلند کردم. از شما چه پنهان بدم هم خیامد که گمی گریه کنم. یکمرتبه دیدم چند نفر جلو دسته يك

چیزهای بسیار درازی دست گرفته و بانهایت فشار و شدت در آن میدمند و از آن طرف آن صدای مخمور و صی شبيه بقارقار بیرون میآید پرسیدم این چیست گفتند (کرنا) و دهقانان هنگام جشن و عزا آنرا بیرون میآورند .

از موضوع خودمان دور نشوم . مقصود از شرح بالا تعریف یا انتقاد نبود . درلندن و اشنگتن پاریس هم عاداتی است که در نظر بسیاری عجیب و غریب میباشد و این نیز ناگفته نماند که رشت بعد از تهران در ردیف بهترین شهرستانها و مردم آن مهربانترین و متعبدترین مردمان ایران هستند .

در دبستان دقیقی هستیم . این دبستان دارای ۱۱ کلاس و ۴۶۶ دانش آموز و ریاست آن با آقای عباس توفیق میباشد :

آقای توفیق جوانی
است بسیار مهربان
و خون گرم بطوری
که در اولین برخورد
نظر انسان باین موضوع
جلب میشود و حتی این
امر باعث شده است
که تمام کارمندان مثل
خواهر و برادر باهم
کار کنند .



من موقعی که خواستم از کارمندان این دبستان عکس بگیرم
بقدری محبت های زیاد آنها و آقای توفیق مرا مبدوب و شریفت

کرده بود که خودم هم پهلویشان نشسته عکس گرفتم.

آقای توفیق از دوازده سال پیش که مشغول خدمت فرهنگی هستند شب و روز در این راه کوشش نموده و تا توانسته اند در راه انجام وظیفه کوتاهی نکرده اند و این موضوع را میتوان از مدال درجه ۲ علمی و تقدیرنامه های متعدد و زیادی که از طرف وزارت فرهنگ و اداره فرهنگ استان یکم برایشان آمده است دریافت.

از علاقه مفرط ایشان بفرهنگ همین بس که در گذشته مرتباً تابستانها در اداره فرهنگ برای پیشرفت امور فرهنگی بدون دریافت فوق العاده کار کرده اند.

در انجمنهای فرهنگی

مانند جامعه فارغ -

التحصیلان دانشسرای

مقدماتی رشت از سال

۱۳۱۹ شرکت و

همواره خزانهدار.

نایب رئیس و عضو

مشاور بوده اند و در

کلاس تعلیم متد

باغچه بان که از طرف



فرهنگ برای تعلیم آموزگاران نا بلد چندی پیش افتتاح شده بود ایشان تدریس میکردند.

آموزگار و انبیا در این دبستان تدریس میفرمایند این
جانوان و آقایان هستند :

آقای محمد حسین باز دبیدی تهرانی . بانوزعنا حسین زاده
نیکرای . آقای تقی عزیزی پور دوشیزه شهر بانو فطانت شعار
دوشیزه افسر تابشی . بانو ملوک میر منصوره . بانو کبری میر خائف
دوشیزه فردوس میر منصوره . بانو مریخ قربانعلی . دوشیزه
محترم فاطمی بانو شایسته استوان . دوشیزه فخرالملوک زکی زاده
بانو کبری روح الله زاده آقای دهقان . آقای محمود سید مرتضوی
آقای توحیدی .

رشدیه

بدفتر این دبستان که برویم قبل از هر چیز عکس مرحوم رشدیه
خطر انسان را جلب میکند . این عکس قلمی و از روی عکسیکه
یشت جلد اطلاعات هفتگی چاپ شده بود کشیده اند .

من چندی نزد مرحوم رشدیه تحصیل کرده ام . پنج شش
ماه قبل از فوت ایشان نیز به همراهی یکی دو نفر هر روز
عصر نزد ایشان میرفتیم و خواهش میکردیم که از گذشته تعریف کرده
و بنا درس اخلاق بدهد . با اینکه ایشان خیلی پیر شده و نمی
توانست بنشیند از رفتن ما بآنجا خیلی خوشحال شده میگفت :
بیایید فرزندهای من . آرزوی من اینست که تا آخرین دقیقه عمر
درس بدهم و در همین حال از دنیا بروم .

مبارزات این نابغه بزرگ بسیار جالب و در کتاب (زندگی
رشدیه) بشما تقدیم خواهم نمود . تنها دو واقعه کسوجک از
گذشته ایشان را فهرست مانند بمناسبت اینکه اکنون در این مدرسه

مستیم برایتان مینویسم :

آقای رشديه در حالیکه از فرط تأثر لبهای خود را بیکدیگر فشار میداد برای من گفت : در تبریز بجز رم اینکه مدرسه باز کرده بودم مرا کتک زده بیرون کردند . در مشهد بعنوان اینکه با باز شدن مدرسه بچه‌هایشان بهائی خواهد شد توطئه کشتن مرا چیدند . در قم مرا سنگ باران کرده و حتی در حملها راه میدادند و در غالب شهرهای دیگر نیز بهمین وسایل مختلف مدرسه مرا جمع و خودم را بیرون کردند تا اینکه از همه جا مأیوس بتهران آمدم .

آن موقع محمد علی شاه سلطنت میکرد . علما از ورود من شکایت کردند . شاه دستور داد که اگر او مدرسه‌ای باز کرد زندانیش کنید . زن من

در این موقع یکمرتبه بغض کلوی رشديه را گرفته اشک در چشمش حلقه زد : زن مرا خدا رحمت کند . یکزن بسیار فهمیده و بزرگی بود . وقتی دید که درها از همه طرف بروی من بسته شده است در منزلیکه در بازارچه مروی جلو (شمس العماره) داشتیم خانمهای اعیانرا دعوت کرده شروع بفالیت نمود از این طرف خود منهم با انتشار شب فامه‌های آتشینی که نیمه شب خودم دست تنها برای خدمت بفرهنگ در خیابانها بغش میکردم و صبح مردم آنها را جمع کرده میخواندند با او همراهی میکردم .

یکمرتبه سر و صدای همه بلند و پشاه گفتند رشديه و زنش دست بدست هم داده و مردم ساده لوح را گمراه میکنند

بدربار شاه احضار شدم . محمد علی شاه وقتی دید مرا نمیتواند قانع کند و حرف من صحیح است اجازه داد که زنم يك مدرسه دخترانه باز کند .

اولین مدرسه دخترانه تحت نظر زن من در ایران

دا ر شد و از آنروز بعد دست های من باز وریشه فرهنگ
جدید را در میهن عزیز کاشتم *

مدتی گذشت * قاجاریه ها رفتند . سلسه پهلوی پیش آمد
بریشه ای که بدست بزرگترین عاشق فرهنگ دنیا مرحوم رشديه
بزرگ کاشته شده بود آب دادند . یکمرتبه يك مدرسه دو تا - دو تا
ده تا - ده تا هزارها مدرسه شد .

حالا چند کلمه هم از زود فراموشی خود مان بشنوید *

عصبانی نشوید تنها بشما نیکویم خود من هم همینطور هستم .
ما خوبی های مردم را نمی بینیم . خدمات
برجسته ای که بعضی نوابغ بزرگ انجام میدهند بچشممان
در لمیاید فقط بلدیم که انتقاد بکنیم چشم ما برای دیدن
زشتیها و گوش ما برای شنیدن چرندیات ساخته شده است .
از موضوع خارج نشویم . من میخواستم راجع بزود
فراموشی خود مان يك مثال كوچك بیاورم . اگر بخوام در اطراف
دیگر بدیهای حرف بزنیم و چیز بنویسیم که هر نوح میخواهد .
رضا شاه بعد از صدها هزار خدمتیکه باها و کشور
ما کرد با عشق وطن از دنیا رفت . ثمره خوردیم يك آه
هم کشیدیم دو روز بعد هم فراموش کردیم همینطور
هزارها نابغه بزرگ دیگر .

بعد از وقایع شهر یور یکی از همکلاسی های روشنفکر
(البته من در آن موقع تحصیل میکردم) سراسیمه بمنزل ما آمده
گفت . چه نشسته ای که رشديه فوت کرد . در آن موقع مرحوم رشديه
در قم بود *

من چون خیلی علاقه بایشان داشتم نفهمیدم یکمرتبه چه
حالی بمن دست داد . آهی کشیده دیوانه وار برخاستم و به همراهی
او هر دو بقم رفتیم .

تازه خورشید طلوع و خیابان ارم قم ساکت و خلوت بود. از کوچه ارك چهار باربر در حالیکه يك تابوت جنازه‌ای را روی دوش گرفته و پنج شش نفر دیگر نیز همراه او بودند بیرون آمده بدون سروصدا آنها بطرف (گورستان نو) میبردند. جلو رفته پرسیدم این جنازه کیست؟ یکی از باربرها گفت. اسم او را نمیدانم همانکسی است که مدرسه‌ها را درست کرده است.

وصیت نامه رشديه را خواندم نوشته بود اگر مرا در راهرو يك مدرسه دفن کنند تمام آرزوهایم برآورده شده است.

ولی او را در راهرو مدرسه که خاک نکردند هیچ در مقابل يك عمر خدمت يك (خدا بیامرز) هم باو نگفتند و از صدها هزار دانش آموزيكنفرم هم همراه جنازه او تا گورستان نرفت. اینرا زود فراموشی و قدر ندانی میگویند ولی باز هم خدا پدر (وزارت فرهنگ) را بیامرزد که در غالب شهرها يك مدرسه‌ای بنام او گذاشته است.

در رشت نام دبستان شماره ۶ پسرانه رشديه است. این

دبستان دارای ۸

کلاس و ۳۳۵ دانش-

آموز میباشد و ریاست

آن با آقای اسمعیل باقر

جنتی است.

آقای اسمعیل

باقر جنتی جوانی است

موسیقی دان و با ذوق

خیلی شبیه پسرانهای

رشديه. متلاذرجشنها



و نمایشهای فرهنگی در
رشت کمتر دیده شد است
که ایشان نباشند و یا
اینکه در این راه فعالیتی
نکنند . من در هر جشنی
در رشت رفتم همین آقای
صحنه گردان آن
بودند .

آقای اسمعیل باقر
جنتی رئیس دبستان رشدیه



دیپلم دانشبرای
مقدماتی سه سال
تمام در رشته
موسیقی تحصیل
کرده و در سال
۳۲۰ در تهران از
اداده کل موسیقی
کشور دیپلم
گرفته اند . جدیت
و پشتکار و علاقه
ایشان بتعلیم و
تریت باعث شده

است که گراماً مورد تشویق واقع شوند و دانش آموزان آن



دبستان در سنوات تصدی ایشان همه ساله در امتحانات نهایی صد



درصد قبول شده و دو سال نیز شاگرد اول امتحانات نهایی از
دبستان رشدیه بوده است

مدال درجه ۲ و تقدیر نامه های زیادی که برای آقای اسمعیل باقرجنتی آمده است نمایندۀ فعالیت های برجسته ایشان در فرهنگ



می باشد •
آموزگارانی که
در این دبستان
تدریس میفرمایند
این بانوان و
آقایان هستند:
آقای محمدعلی
شرکت شکریه
ناظم • آقای
جعفر خمامی

زاده • آقای مرتضی عفاقی • آقای ابراهیم خرسند • بانو طویلی
طورچی • بانو طلیمه ثباتی • بانو لیلا رزاقی • بانو عزیزه مروی
نقائی • بانو منیره تحویلدار • بانو فاطمه باقرجنتی • آقای حسن
لطفی • آقای پروانه • آقای عزیز قدیمی • آقای خدا بخش
توحیدی •
پایان جلد اول

فرهنگ مصور استان یکم دو جلد و بهای هر جلد ۱۵ ریال میباشد

دانش آموزان و کارمندان محترم فرهنگ
رشت و بهلوی . نظریات خودتان را راجع باین کتاب
کله هائیکه از کارمندان و رؤسای خود دارید جدا کتر
تا روز آخر دی بنشانی زیر نوشته بفرستید تا من آنرا
در جلد دوم چاپ کنم و دیگران هم مطلع شدند .
تهران : خیابان فروردین ک.وجه تیموری
کاشی ۲۳ مهدی بشارمیان

عکس پشت جلد دوشیزه گیتی هادی دانش آموز سال اول
دیرستان فروغ رشت

فهرست مندرجات و عکسهای جلد ۲

۱ - پشت جلد عکس کودک زیبائیکه از دیدن آن هیچوقت

سیر نخواهید شد .

۲ - نامه ها و اشتباهات و از قلم افتاده ها

۳ - چند انتقاد از چند نفر

۴ - یادی از اعلیحضرت فقید رضاشاه بهلوی

۵ - یک منظره از طوفان دریا

۶ - یک واقعه بامزه در دبستان صدر

۷ - شرح حال رؤسای مدارس خدرا مید تمدن علمیه طامس

خرین کورش انوشیروان ناموس هفده دی ژاله بانوان بهار رازی

مهر سرورش یک سعادت ایران نو اختران کودک شمس و عکسهای

نام دختران و پسران آن مدارس

۸ - در زیر دیوارهای گورستان شالکو

۹ - دیدنی های رشت

۱۰ - عكس يك دوشیزه ایكه در تمام دوره تحصیلی

رشت از حیث لباس و درس اول شده است

۱۱ - بندر پهلوی و اداره فرهنگ آن

۱۲ - سازمان مدارس . شرح حال مدیران مدارس

عکسهای تمام دختران و پسران بندر پهلوی

پرده ها بالا میروند

اسرار

يك واقعه بزرگ و تاریخی و يك صحنه تائر آور
مرگ

اعلی حضرت فقید رضا شاه پهلوی

سرگذشتی که در این کتاب میخوانید بقدری مهیج و

انگیز است که تا آخرین ساعت عمر فراموشی نخواهید کرد

این کتاب آماده برای چاپ و در آتیه نزدیکی بشما

خواهد شد .

در ضمن اگر نوشته های بشارتیان را دوست دارید که

میریوش را از کتابفروشی ابن سینا چهار راه منبرالدوله

عشق بازی سلطان احمد شاه و ملکه مادرین را از بشگاه کادو بخیا

چراغ برق تهیه فرمائید .

کتاب شیرین و مهیج (چهار اختر) که یکبار در روزنامه ای

بزرگ و یکبار در آهین و یکبار هم جدا گانه ضمیمه مجله بدیع

شد اکنون بکلی نایاب و ما يك جلد آنرا برای تجدید چاپ

برابر بها خریداریم بچاپخانه شرق خیابان لاله زار مراجه فرما